

INSO

18887-2

1st.Edition

2015



جمهوری اسلامی ایران
Islamic Republic of Iran

سازمان ملی استاندارد ایران

Iranian National Standardization Organization



استاندارد ملی ایران

۱۸۸۸۷-۲

چاپ اول

۱۳۹۴

مدخل‌های اصطلاح‌شناختی در استانداردها قسمت ۲ -

پذیرش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی
استانداردشده

Terminological entries in standards -
Part 2:
Adoption of standardized terminological
entries

ICS: 01.020; 01.120

به نام خدا

آشنایی با سازمان ملی استاندارد ایران

مؤسسهٔ استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران به موجب بند یک مادهٔ ۳ قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسهٔ استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، مصوب بهمن ماه ۱۳۷۱ تنها مرجع رسمی کشور است که وظیفه تعیین، تدوین و نشر استانداردهای ملی (رسمی) ایران را به عهده دارد.

نام موسسهٔ استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران به موجب یکصد و پنجاه و دومین جلسه شورای عالی اداری مورخ ۹۰/۶/۲۹ به سازمان ملی استاندارد ایران تغییر و طی نامه شماره ۲۰۶/۳۵۸۳۸ مورخ ۹۰/۷/۲۴ جهت اجرا ابلاغ شده است.

تدوین استاندارد در حوزه‌های مختلف در کمیسیون‌های فنی مرکب از کارشناسان سازمان، صاحب‌نظران مراکز و مؤسسات علمی، پژوهشی، تولیدی و اقتصادی آگاه و مرتبط انجام می‌شود و کوششی همگام با مصالح ملی و با توجه به شرایط تولیدی، فناوری و تجاری است که از مشارکت آگاهانه و منصفانهٔ صاحبان حق و نفع، شامل تولیدکنندگان، مصرفکنندگان، صادرکنندگان و وارد کنندگان، مراکز علمی و تخصصی، نهادها، سازمان‌های دولتی و غیردولتی حاصل می‌شود. پیش‌نویس استانداردهای ملی ایران برای نظرخواهی به مراجع ذی‌نفع و اعضای کمیسیون‌های فنی مربوط ارسال می‌شود و پس از دریافت نظرها و پیشنهادها در کمیتهٔ ملی مرتبط با آن رشتہ طرح و در صورت تصویب به عنوان استاندارد ملی (رسمی) ایران چاپ و منتشر می‌شود.

پیش‌نویس استانداردهایی که مؤسسات و سازمان‌های علاقه‌مند و ذی‌صلاح نیز با رعایت ضوابط تعیین شده تهیه می‌کنند در کمیتهٔ ملی طرح و بررسی و در صورت تصویب، به عنوان استاندارد ملی ایران چاپ و منتشر می‌شود. بدین ترتیب، استانداردهایی ملی تلقی می‌شوند که بر اساس مفاد نوشته شده در استاندارد ملی ایران شماره ۵ تدوین و در کمیتهٔ ملی استاندارد مربوط که سازمان ملی استاندارد ایران تشکیل می‌دهد به تصویب رسیده باشد.

سازمان ملی استاندارد ایران از اعضای اصلی سازمان بین‌المللی استاندارد (ISO)^۱، کمیسیون بین‌المللی الکترونیک (IEC)^۲ و سازمان بین‌المللی اندازه‌شناسی قانونی (OIML)^۳ است و به عنوان تنها رابط^۴ کمیسیون کدکس غذایی (CAC)^۵ در کشور فعالیت می‌کند. در تدوین استانداردهای ملی ایران ضمن توجه به شرایط کلی و نیازمندی‌های خاص کشور از آخرین پیشرفت‌های علمی، فنی و صنعتی جهان و استانداردهای بین‌المللی بهره‌گیری می‌شود.

سازمان ملی استاندارد ایران می‌تواند با رعایت موازین پیش‌بینی شده در قانون، برای حمایت از مصرفکنندگان، حفظ سلامت و ایمنی فردی و عمومی، حصول اطمینان از کیفیت محصولات و ملاحظات زیست محیطی و اقتصادی، اجرای بعضی از استانداردهای ملی ایران را برای محصولات تولیدی داخل کشور و/ یا اقلام وارداتی، با تصویب شورای عالی استاندارد، اجباری نماید. سازمان می‌تواند به منظور حفظ بازارهای بین‌المللی برای محصولات کشور، اجرای استاندارد کالاهای صادراتی و درجه‌بندی آن را اجباری نماید. همچنین برای اطمینان قسمتیدن به استفاده کنندگان از خدمات سازمان‌ها و مؤسسات فعال در زمینه مشاوره، آموزش، بازرسی، ممیزی و صدور گواهی سامانه‌های مدیریت کیفیت و مدیریت زیستمحیطی، آزمایشگاه‌ها و مراکز کالیبراسیون (واسنجی) وسایل سنجش، سازمان ملی استاندارد ایران این‌گونه سازمان‌ها و مؤسسات را براساس ضوابط نظام تأیید صلاحیت ایران ارزشیابی می‌کند و در صورت احراز شرایط لازم، گواهینامه تأیید صلاحیت به آن‌ها اعطا و بر عملکرد آن‌ها ناظارت می‌کند. ترویج دستگاه بین‌المللی یک‌ها، کالیبراسیون (واسنجی) وسایل سنجش، تعیین عیار فلزات گرانبها و انجام تحقیقات کاربردی برای ارتقای سطح استانداردهای ملی ایران از دیگر وظایف این سازمان است.

1- International Organization for Standardization

2 - International Electrotechnical Commission

3- International Organization of Legal Metrology (Organisation Internationale de Metrologie Legale)

4 - Contact point

5 - Codex Alimentarius Commission

کمیسیون فنی تدوین استاندارد
« مدخل‌های اصطلاح‌شناختی در استانداردها
قسمت ۲ – پذیرش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده»

سمت و / یا نمایندگی

پژوهشگر گروه واژه‌گزینی - فرهنگستان
زبان و ادب فارسی

رئیس:

تفسیری، مليحه
(کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی)

دبیر:

کارشناس استاندارد - سازمان ملی استاندارد
ایران

حسینی، اقدس
(کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

اعضاء: (اسامی به ترتیب حروف الفبا)

کارشناس - اداره استاندارد نهاد کتابخانه‌های
عمومی کشور

پازوکی، فاطمه
(دکترای علم اطلاعات و دانش‌شناسی)

رئیس کتابخانه - شرکت مادر تخصصی
توانیر

خوانساری، جیران
(دکترای علم اطلاعات و دانش‌شناسی)

کارشناس دفتر آموزش و ترویج استاندارد -
سازمان ملی استاندارد ایران

سیردانی، مرجان
(کارشناس علم اطلاعات و دانش‌شناسی)

کارشناس استاندارد - سازمان ملی استاندارد
ایران

سیفی، مهوش
(کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

رئیس اداره استاندارد نهاد
کتابخانه‌های عمومی کشور

صابری، محمدکریم
(دکترای علم اطلاعات و دانش‌شناسی)

کارشناس تدوین - پژوهشگاه
استاندارد

صالحی، مریم
(کارشناس ارشد زبان‌شناسی)

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

صمیعی، میترا
(دکترای علم اطلاعات و دانش‌شناسی)

کارشناس - سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

ضرغامی، زهرا
(کارشناس ارشد زبان انگلیسی)

عزیزی، غلامرضا

(کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی)

رئیس پژوهشکده استناد و کتابخانه ملی

جمهوری اسلامی ایران

علائی طالقانی، آزاده

(کارдан مدیریت بازرگانی)

کارشناس کتابداری- سازمان ملی استاندارد

ایران

کرمی، مینا

(کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی)

رئیس گروه استناد الکترونیکی- سازمان

استناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی

ایران

نشاط مبینی تهرانی، مهندوش

(دکترای مترجمی زبان انگلیسی)

عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب

فارسی

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
ب	آشنایی با سازمان ملی استاندارد
ج	کمیسیون فنی تدوین استاندارد
ز	پیش‌گفتار
ح	مقدمه
۱	۱-۱-۴-۲ اهدف و دامنه کاربرد
۱	۱-۲-۴-۲ ۲ اصطلاحات و تعاریف
۱	۱-۳-۲ ۱-۲ استاندارد
۲	۲-۲-۴-۲ ۲-۲ نهاد استانداردسازی
۲	۲-۳-۲ ۱-۳-۲ استانداردسازی اصطلاحات
۲	۲-۳-۲ ۲-۳-۲ استاندارد اصطلاحات
۲	۳-۳-۲ ۳-۳-۲ مدخل اصطلاح‌شناختی
۳	۴-۳-۲ ۴-۳-۲ مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده
۳	۵-۳-۲ ۵-۳-۲ الگوی داده اصطلاح‌شناختی
۴	۱-۱-۴-۲ ۱-۱-۴-۲ مفهوم
۴	۲-۱-۴-۲ ۲-۱-۴-۲ هماهنگ‌سازی مفاهیم
۴	۱-۲-۴-۲ ۱-۲-۴-۲ نظام مفهومی
۴	۲-۲-۴-۲ ۲-۲-۴-۲ هماهنگ‌سازی نظام مفهومی
۵	۵-۲ ۵-۲ تعریف
۵	۱-۶-۲ ۱-۶-۲ معرف/ بازنمود
۵	۲-۶-۲ ۲-۶-۲ اصطلاح
۶	۳-۶-۲ ۳-۶-۲ اصطلاح قرضی
۶	۱-۷-۲ ۱-۷-۲ پذیرش
۶	۲-۷-۲ ۲-۷-۲ پذیرش مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده
۷	۱-۳-۷-۲ ۱-۳-۷-۲ متن ترجمه شده
۷	۱-۱-۳-۷-۲ ۱-۱-۳-۷-۲ ترجمة وفادار
۷	۲-۱-۳-۷-۲ ۲-۱-۳-۷-۲ ترجمة همگون
۸	۱-۸-۲ ۱-۸-۲ محتوای فنی
۸	۲-۸-۲ ۲-۸-۲ تغییر ویرایشی
۸	۳-۸-۲ ۳-۸-۲ تحریف فنی

۸	۴-۸-۳ تغییر در عبارت پردازی
۹	۳-۸-۳ اصل معکوس
۹	۹-۲ زبان تخصصی
۹	۳ اصول پذیرش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد شده
۱۵	۴ پذیرش مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد شده بین‌المللی به عنوان ابزار هماهنگ‌سازی
۳۸	۵ قراردادهای نهاد استاندارد سازی پذیرنده برای نمایش و چیدمان مدخل‌های اصطلاح‌شناختی
۴۱	پیوست الف (اطلاعاتی) الگوی گزارش مقررات خاص پذیرش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد
۴۲	کتابنامه (اطلاعاتی)

پیش‌گفتار

استاندارد «مدخل‌های اصطلاح‌شناختی در استانداردها - قسمت ۲- پذیرش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده» که پیش‌نویس آن در کمیسیون‌های مربوط توسط سازمان ملی استاندارد ایران تهیه و تدوین شده و دریک‌صد و هفتادمین اجلاس کمیته ملی استاندارد مدارک و تجهیزات اداری و آموزشی مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۲ مورد تصویب قرار گرفته است، اینک به استناد بند یک ماده ۳ قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، مصوب بهمن ماه ۱۳۷۱، به عنوان استاندارد ملی ایران منتشر می‌شود.

برای حفظ همگامی و هماهنگی با تحولات و پیشرفت‌های ملی و جهانی در زمینه صنایع، علوم و خدمات، استانداردهای ملی ایران در موقع لزوم تجدید نظر خواهد شد و هر پیشنهادی که برای اصلاح و تکمیل این استانداردها ارائه شود، هنگام تجدید نظر در کمیسیون فنی مربوط مورد توجه قرار خواهد گرفت. بنابراین، باید همواره از آخرین تجدیدنظر استانداردهای ملی استفاده کرد.

منبع و مأخذی که برای تدوین این استاندارد مورد استفاده قرار گرفته به‌شرح زیر است:

ISO10241-2: 2012, Terminological entries in standards -Part 2: Adoption of standardized terminological entries

مقدمه

براساس «موافقتنامه موانع فنی فرا راه تجارت» (موافقتنامه مفات) سازمان تجارت جهانی^۱ اعضای خود را ملزم می کند که اطمینان حاصل کنند با وضع آیین نامه ها یا تمہیدات ارزیابی انطباق، موانعی غیر ضروری فرا راه تجارت قرار نمی دهند که باعث شود از استانداردهای بین المللی منحرف شوند. براساس این موافقتنامه اعضای سازمان تجارت جهانی مقید هستند تا حدامکان از استانداردهای جهانی استفاده کنند. بنابراین، توصیه می شود براساس موافقتنامه مفات، استانداردهای ملی و منطقه ای برپایه استانداردهای بین المللی نگاشته شوند، بدین ترتیب از برابری فنی و اجتناب از هرگونه تضاد یا نایکدستی درمورد تجارت مطمئن خواهد بود.

همان اصول به طور یکسان درمورد پذیرش مدخل های اصطلاح شناختی اعمال می شود.

کارگروه ها می توانند برای اطمینان از درک درست و تفسیر غیر مبهم از اصطلاحات اصلی و دیگر انواع معرفی که در حوزه موضوعی آنها به کار رفته است، تمام یا بخشی از اصطلاحگان استاندارد خویش را به شکل اصطلاحگان استاندارد یا در بخش های اصطلاحات تعریفی در استانداردهای دیگر مشخص کنند.

راهنمای ISO/IEC Guide روش هایی را برای پذیرش استانداردهای بین المللی به عنوان استاندارد ملی یا منطقه ای مشخص کرده است که بدین قرار است: تأیید معتبر، انتشار با صفحه حقوقی ملی یا منطقه ای و انتشار با چاپ مجدد، ترجمه و پیش نویس مجدد. هنگام پذیرش استانداردهای بین المللی باید در مورد مدخل های اصطلاح شناختی بسیار دقت کرد. برای مثال، آن دسته از نهادهای استانداردسازی که از زبان یا گونه های زبانی غیر از زبان های رسمی استاندارد پذیرفته شده استفاده می کنند، اغلب در یافتن معادل های مدخل های اصطلاح شناختی با مشکلاتی روبرو می شوند.

مطابق با راهنمای ISO/IEC Guide 21-1 «اگر قواعد یا سنت های مربوط به ساختار و چیدمان استانداردهای ملی یا منطقه ای با استاندارد پذیرفته شده تفاوت داشته باشد، پذیرش یک استاندارد بین المللی به عنوان یک استاندارد ملی یا منطقه ای بسیار مشکل خواهد بود. در این صورت، توصیه می شود در صورت امکان دستورات ISO/IEC Guide قسمت دوم برای آمده سازی استانداردهای ملی یا منطقه ای اعمال شود». افزون براین، هنگام آماده کردن مدخل های اصطلاح شناختی در استانداردهای ملی یا منطقه ای، به ویژه درمورد آن دسته از مدخل های اصطلاح شناختی که در فرایند پذیرش نیاز به بازنگری دارند، مشکلاتی دیده می شود.

راهنمای ISO/IEC Guide 21 اصول مربوط به تصمیم گیری درباره پذیرش استاندارد بین المللی به عنوان استاندارد ملی یا منطقه ای را به طور خلاصه بیان کرده است، این اصول شامل روش ارزیابی این مطلب است که کدام استاندارد بین المللی با نیازهای استاندارد ملی یا منطقه ای هم خوانی دارد. در مقایسه، استاندارد ISO10241 قواعدی را برای پذیرش مدخل های اصطلاح شناختی از استانداردهای بین المللی به استانداردهای ملی یا منطقه ای و نیز اصولی را تعریف می کند که مربوط به تصمیم گیری درباره این است که کدام مدخل ها، مفاهیم و نظام های مفهومی از استاندارد بین المللی با واقعیات استاندارد ملی یا منطقه ای هم خوانی دارد.

مسائلی که هنگام پذیرش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی رخ می‌دهد، با آنچه در پذیرش تمام یک مدرک از یک فرهنگ یا جامعه زبانی به جامعه دیگر اتفاق می‌افتد، یکسان است. زیرا جوامع فرهنگی و زبانی اشیا را به‌گونه‌ای متفاوت دریافت و درک می‌کنند. در برخی از جوامع، برای مثال «طبقه اول» به معنای طبقه‌ای است که بر فراز ورودی یا همکف قرار دارد، در حالی‌که در جوامع دیگر «طبقه اول» به معنای طبقه ورودی یا همکف است. چنین تفاوت‌هایی بر استانداردسازی مدخل‌های اصطلاح‌شناختی تأثیر دارند.

این قسمت از استاندارد ISO 10241 راهنمایی برای مواجهه با مسائلی کلیدی ارائه می‌دهد که در فرایند پذیرش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده باشد باید درنظر گرفت. این استاندارد چالش‌هایی را روشن می‌سازد که نهادهای استانداردسازی در فرایند پذیرش مداخل اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی با آن روبرو هستند. همچنین، می‌توان تعیین کرد که چگونه مدخل‌های اصطلاح‌شناختی ملی یا منطقه‌ای استانداردشده‌ای که مطابق با راهنمایی مندرج در استاندارد ملی ۱۸۸۸۷-۱ هستند، می‌توانند به عنوان مأخذ یا نقطه آغازی برای استاندارد کردن مدخل‌های اصطلاح‌شناختی در سطح بین‌المللی یا منطقه‌ای به کار روند.

مدخل‌های اصطلاح‌شناختی در استانداردها

قسمت ۲ – پذیرش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده

۱ هدف و دامنه کاربرد

هدف از تدوین این استاندارد معرفی مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد شده در دیگر محیط‌های فرهنگی و زبانی بهویژه پذیرش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد شده بین‌المللی است. این قسمت اصول و راهکارهایی برای رویارویی با مسائل کلیدی این فرایند ارائه می‌دهد.

این استاندارد هم‌چنین مثال‌ها و راه حل‌هایی برای مسائل زیر ارائه می‌دهد:

- پذیرش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی
- هم‌ترازی نظام‌های مفهومی نهاد استانداردسازی پذیرنده با نظام‌های مفهومی استانداردشده بین‌المللی
- آماده‌سازی مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد به عنوان جزء افزوده یا متمم به مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی

۲ اصطلاحات و تعاریف

در این استاندارد اصطلاحات و تعاریف زیر به کار می‌روند:

یادآوری ۱- در گرینش و عبارت پردازی مدخل‌های اصطلاح‌شناختی در این بند، اولویت با آنهاست که برای همگان قابل فهم باشند. بنابراین، اصطلاحات روزمره (که عموماً قابل فهم هستند) تعریف نشده‌اند. برخی از مدخل‌های اصطلاح‌شناختی که از منابع دیگر گرفته شده‌اند اصلاح شده‌اند تا نیازهای گروه هدف را در این استاندارد برطرف کنند. این اصلاحات مطابق با استاندارد ملی ۱۸۸۸۷-۱ پس از ذکر منبع به صورت «تغییریافته» مشخص می‌شوند.

یادآوری ۲- بیشتر مدخل‌های این استاندارد از استانداردهای دیگر گرفته شده‌اند. از این‌رو، نظام‌های مفهومی کاملی از آنها ارائه نشده است و مدخل‌های اصطلاح‌شناختی با ترتیب آمیخته ارائه شده‌اند.

۱-۲

استاندارد

مدرکی که در آن قوانین، راهنمایها و مشخصه‌هایی برای فعالیت‌ها یا نتایج آنها با توافق و تأیید نهاد رسمی برای استفاده همگانی و مستمر با هدف دست‌یابی به بالاترین سطح در یک بافت معین تهیه می‌شود.

یادآوری - استانداردها باید براساس نتایج محکم علمی، فناوری و تجربی به دست آمده باشند و با هدف ترفیع منافع جامعه تدوین شوند. [منبع: بند ۳-۲ ISO/IEC Guide 2:2004]

**نهاد استانداردسازی
سازمان استانداردسازی
سازمان تدوین استانداردها (ستا)**

نهاد یا سازمانی که فعالیت‌هایی رسمی را در زمینه استانداردسازی مانند تدوین، گزینش و انتشار استانداردها (۱-۲) انجام می‌دهد و اعضای آن می‌توانند از نهادهای ملی، منطقه‌ای یا دیگر نهادهای استانداردسازی یا از سازمان‌هایی چون شرکت‌ها، مؤسسات دولتی، دانشگاهی یا دیگر مؤسسات و اشخاص باشد.

[منبع: (بند ۴-۳ ISO/IEC Guide 2:2004)، تغییریافته: با گسترش معنایی سازمان تدوین استانداردها، تمامی نهادها و سازمان‌های استانداردسازی در معنای کنونی جای می‌گیرند].

۱-۳-۲

استانداردسازی اصطلاحات

تدوین مدخل‌های اصطلاح‌شناختی (۲-۳-۲) در استانداردهای اصطلاحات (۲-۳-۲) و قسمت‌های اصطلاح‌شناسی در استانداردهای دیگر و تأیید آنها به وسیله نهاد استانداردسازی (۲-۲) است.

[منبع: (بند ۵-۳ ISO15188:2001)، تغییریافته: «گسترش مدخل‌های اصطلاح‌شناسی در استانداردهای اصطلاحات» جایگزین «تدوین استانداردهای اصطلاحات» و «استانداردهای دیگر» جایگزین «استانداردهای فنی» و «تأیید به وسیله یک نهاد استانداردسازی» جایگزین «تأیید به وسیله یک نهاد معتبر» شده است تا با استاندارد ملی ۱۸۸۸۷-۱ هماهنگی داشته باشد].

۲-۳-۲

استاندارد اصطلاحات

استانداردی (۱-۲) که درباره اصطلاحات (۲-۶-۲) و تعاریف (۵-۲) آنها نگاشته شده است و گاه همراه با یادآوری‌های توضیحی، تصاویر و مثال‌ها است.

یادآوری ۱- به عنوان یک قاعده، استانداردهای اصطلاحات و قسمت‌های اصطلاح‌شناسی در استانداردهای دیگر بیش از یک مدخل اصطلاح‌شناسی استاندارد را شامل می‌شود، یعنی آنها شامل مجموعه‌ای از داده‌های اصطلاح‌شناسی هستند.

یادآوری ۲- استاندارد اصطلاحات ممکن است استانداردی بین‌المللی، ملی یا منطقه‌ای باشد. [منبع: (بند ۱-۳-۱، استاندارد ملی ۱۸۸۸۷-۱: ۱۳۹۳)، یادآوری ۱ و ۲ افزوده شده‌اند تا کاربرد بیشتری از اصطلاح استاندارد اصطلاحات را در دامنه این استاندارد توضیح دهند].

۳-۳-۲

مدخل اصطلاح‌شناختی

قسمتی از مجموعه داده‌های اصطلاح‌شناختی که حاوی داده‌های اصطلاح‌شناختی (بند ۳-۱-۳، استاندارد ملی ۱۸۸۸۷-۱: ۱۳۹۳) مربوط به یک مفهوم (۴-۲-۱) می‌شود.

یادآوری ۱- مدخل اصطلاح‌شناختی مطابق با اصول و روش‌های استاندارد ISO704 تهیه می‌شود که همان اصول ساختاری در مدخل‌های یکزبانه و چندزبانه نیز رعایت می‌شوند.

۴-۳-۲

مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده مدخلی اصطلاح‌شناختی (۳-۲) که یک نهاد استانداردسازی (۲-۲) آن را استاندارد کرده باشد.

یادآوری ۱- مفهومی استاندارد تلقی می‌شود که کل مدخل اصطلاح‌شناختی یا تعریف (یا بازنمایی غیرکلامی در حوزه‌ها یا موضوع‌هایی که این بازنمایی‌ها در آنها به طور قراردادی استفاده شده‌اند) و معرفه‌های مربوط به آن استاندارد شده باشند.

یادآوری ۲- مدخل اصطلاح‌شناختی می‌تواند در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای یا ملی استاندارد شود.

یادآوری ۳- در پیوست الف، استاندارد ملی ۱۸۸۸۷-۱:۱۳۹۳، مثال‌هایی از مدخل‌های اصطلاح‌شناختی یکزبانه و چندزبانه ارائه شده است.

۵-۳-۲

الگوی داده اصطلاح‌شناختی

در مدیریت اصطلاح‌شناسی، ساختاری مفهومی برای نظام‌بخشی به داده اصطلاح‌شناختی است که عموماً برای اجرا در سامانه‌های مدیریت دادگان به کار می‌رود و در آنجا مدخل اصطلاح‌شناختی (۳-۲) همراه با رده‌های داده اصطلاح‌شناختی (بند ۳-۱-۴، استاندارد ملی ۱۸۸۸۷-۱:۱۳۹۳) با ویژگی‌ها و ارتباط داخلی آنها اساس کار قرار می‌گیرد.

یادآوری ۱- در استانداردسازی اصطلاحات، الگوی داده اصطلاح‌شناختی براساس رده‌های داده اصطلاح‌شناختی همراه با ویژگی‌ها و ارتباط داخلی آنهاست که در استاندارد ملی ۱۸۸۸۷-۱:۱۳۹۳، آمده است. این مورد با ساختار یک استاندارد (بند ۱۰-۳ ISO/IEC Guide 21-1:2005، ۱۰-۳ ISO/IEC Guide 21-1:2005) یا مدرک دیگری که در راهنمای ISO/IEC Guide 21-1:2005 معرفی شده است، یکسان نیست.

یادآوری ۲- بنابر ضرورت فرهنگی یا زبانی نهاد استانداردسازی پذیرنده^۱، می‌توان هم رده‌های داده اصطلاح‌شناختی مربوط به زبان یا فرهنگ را (در ارائه‌های مختلف با توجه به نیاز کاربر، هدف مجموعه دادگان اصطلاح‌شناختی و مانند آن) و هم بدون تغییر در محتوای فنی مدخل اصطلاح‌شناختی پذیرفته شده یا الگوی داده اصطلاح‌شناختی حذف یا اضافه کرد.

- ۱- منظور از زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده زبان خاص همان کشور پذیرنده است.

۱-۱-۴-۲

مفهوم

واحدی از دانش که از ترکیب منحصر به فرد مشخصه‌ها (بند ۳-۲-۴، استاندارد ISO 1087-1:2000) پدید آمده است.

یادآوری - مفاهیم ضرورتاً به یک زبان خاص محدود نمی‌شوند. بنابراین، متأثر از پیشینه اجتماعی یا فرهنگی هستند که اغلب به رده‌بندی‌های گوناگون منجر می‌شود. [منبع: (بند ۳-۲-۱، استاندارد ISO 1087-1:2000)]

۲-۱-۴-۲

هماهنگ‌سازی مفاهیم

فعالیتی که با ایجاد تطابق میان دو یا چند مفهوم (۱-۱-۴-۲) مرتبط یا همپوشانی که تفاوت‌های حرفه‌ای، فنی، علمی، اجتماعی، اقتصادی، زبانی، فرهنگی یا مانند آن دارند، تفاوت‌های اندک میان آنها را کاهش می‌دهد یا از میان می‌برد.

یادآوری - هدف از هماهنگ‌سازی مفاهیم گسترش ارتباطات است. [منبع: بند ۳-۲، استاندارد ISO:860,2007]

۱-۲-۴-۲

نظام مفهومی

اصطلاح منسوخ: شبکه‌ای از مفاهیم در استانداردسازی اصطلاحات مجموعه‌ای از مفاهیم (۱-۱-۴-۲) که براساس روابط میان آنها شکل گرفته است. [منبع: بند ۳-۲-۱، استاندارد ISO 1087-1:2000]

۲-۲-۴-۲

هماهنگ‌سازی نظام مفهومی

فعالیتی که با ایجاد تشابه و تطابق میان دو یا چند نظام مفهومی (۱-۲-۴-۲) مرتبط یا همپوشانی که تفاوت‌های حرفه‌ای، فنی، علمی، اجتماعی، اقتصادی، زبانی، فرهنگی یا مانند آن دارند، تفاوت‌های اندک میان آنها را کاهش می‌دهد یا از میان می‌برد.

یادآوری - هدف از هماهنگی نظام‌های مفهومی گسترش ارتباطات است. [منبع: بند ۳-۲، استاندارد ISO:860,2007]

۵-۲

تعريف

در استانداردسازی اصطلاحات، بازنمایی یک مفهوم (۱-۴-۲) با بیانی توصیفی است که آن را از دیگر مفاهیم مرتبط، مجزا می‌کند.

یادآوری - معمولاً بازنمایی غیرکلامی فقط می‌تواند تعریف را کامل کند و نمی‌تواند جانشین آن شود. باوجوداین، در حوزه‌ها و موضوع‌های خاص (مانند درون یک نظام فرمولی مرتبط با هم) بازنمایی‌های غیرکلامی به صورت قراردادی به جای بیان توصیفی به کار می‌روند. [منبع: بند ۳-۴-۲-۱، استاندارد ملی ۱۸۸۸۷-۱: ۱۳۹۳]

۱-۶-۲

معرف / بازنمود^۱

در استانداردسازی اصطلاحات، بازنمایی یک مفهوم (۱-۴-۲) با استفاده از نشانه‌ای که بر آن دلالت دارد.

یادآوری ۱ - در اصطلاح‌شناسی سه نوع روش معرف / بازنمود از هم متمایز شده‌اند: نمادها، نامها و اصطلاحات.

یادآوری ۲ - در زبان روزمره بازنمایی واژه می‌تواند چندین معنی داشته باشد. در اینجا یعنی بیان یا تمایز به وسیله واژه‌ها، یک شکل یا یک نماد. در تطابق با بند ۱-۱-۴-۳، استاندارد ملی ۱۸۸۸۷-۱ تغییریافته: یادآوری ۲ برای سازگاری با استاندارد ملی ۱۸۸۸۷-۱، افروده شده است].

۲-۶-۲

اصطلاح

معرفی کلامی یک مفهوم کلی (بند ۳-۲-۳، استاندارد ISO 1087-1:2000) در یک حوزه (بند ۳-۱، استاندارد ملی ۱۸۸۸۷-۱: ۱۳۹۳) یا موضوع (بند ۳-۲-۳، استاندارد ملی ۱۸۸۸۷-۱: ۱۳۹۳) خاص است.

یادآوری ۱ - اصطلاحات ممکن است شامل حروف یا نمادهای حرفی، اعداد، نمادهای ریاضی، نشانه‌های نویسه‌نگاری و نشانه‌های نحوی (یعنی علائم سجاوندی، خط تیره‌ها، کمان‌ها، قلاب‌ها و دیگر حروف فصل یا وصل) و گاهی صورت‌های نوشتاری (مانند نوع قلم و قواعدی مانند قلم پرنگ، مورب، مورب پرنگ یا شیوه‌های دیگر) باشند که تحت تأثیر قواعد حوزه‌ویژه، موضوع‌ویژه یا زبان‌ویژه قرار می‌گیرند.

یادآوری ۲ - یک اصطلاح می‌تواند صورت‌های گوناگون از جمله صورت نوشتاری متفاوت داشته باشد.

یادآوری ۳ - اصطلاحات ممکن است کاملاً پیچیده، شامل دو ریشه یا بیشتر و دو کلمه یا بیشتر باشند.

یادآوری ۴- چندین اصطلاح در یک زبان معین که بیانگر مفهوم واحدی باشند، اصطلاحات متراffد به شمار می‌روند. اصطلاحاتی که در زبان‌های گوناگون بیانگر مفهوم واحدی هستند، اصطلاحات معادل به شمار می‌روند (معادلهای).

[منبع: بند ۱-۲-۱-۳-۴، استاندارد ملی ۱۸۸۸۷-۱: ۱۳۹۳]

۳-۶-۲

اصطلاح قرضی

اصطلاحی (۲-۶-۲) که از زبان، حوزه (بند ۳-۱-۳، استاندارد ملی ۱۸۸۸۷-۱: ۱۳۹۳) یا موضوع (بند ۳-۲-۲، استاندارد ملی ۱۸۸۸۷-۱: ۱۳۹۳) دیگری گرفته شده باشد.

۱-۷-۲

پذیرش

در تدوین استانداردها، انتشار استاندارد ملی براساس استاندارد بین‌المللی یا منطقه‌ای مرتبط یا با استاندارد بین‌المللی به روش تنفیذ^۱ است که آن را بدون هیچ‌گونه تحریفی از استانداردهای بین‌المللی مشخص شده، هم‌تراز استاندارد ملی بداند.

یادآوری ۱- برگرفته از تعریف ۱-۱۰، ISO/IEC Guide 2:2004

یادآوری ۲- اصطلاح «برگرفتن» گاهی برای همان مفهوم «پذیرش» استفاده می‌شود.

یادآوری ۳- برای شرایط پذیرش یک استاندارد بین‌المللی به عنوان یک استاندارد ملی، به بند ۴-۱، ISO/IEC Guide 21-1:2004 مراجعه شود.

[منبع: بند ۳-۶، ISO/IEC Guide 21-1:2004، تغییریافته- «در تدوین استانداردها» پیش از تعریف اضافه شده است تا مفهوم متن ISO/IEC Guide 21-1:2004 را روشن بسازد. راهنمای ISO/IEC Guide 21-1:2004] به همین دلیل به یادآوری ۳ اضافه شده است.]

۲-۷-۲

پذیرش مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده

در استانداردسازی اصطلاحات، به برگرفتن (اقتباس) مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد (۴-۳-۲) به وسیله نهاد استانداردسازی (۲-۲) دیگر بدون هیچ‌گونه تحریف مفهومی (۳-۸-۲) معلوم اطلاق می‌شود.

یادآوری ۱- در حالی که در پذیرش یک استاندارد بین‌المللی کل مدرک پذیرفته می‌شود، اصول اولیه و قواعد پذیرش استانداردها نیز عمدتاً در پذیرش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی به کار می‌روند. مورد دوم به مدخل‌های اصطلاح‌شناختی منفرد، مفاهیم و نظام‌های مفهومی و عناصر سازنده مدخل‌های اصطلاح‌شناختی می‌پردازد. بنابراین، اطلاعاتی که این‌گونه پذیرفته می‌شوند با آنچه از کل متن استانداردها برگرفته می‌شوند، تفاوت دارد و درنتیجه فرایندهای پذیرش نیز متفاوت است.

یادآوری ۲- در عمل، پذیرش یک مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد می‌تواند مستلزم «ترجمه» یک مدخل اصطلاح‌شناختی باشد. در استانداردسازی اصطلاحات، «ترجمه» بیان قسمتی یا تمام داده‌های متنی یک مدخل اصطلاح‌شناختی به زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده است که همراه با پذیرش داده‌های متنی و غیرمتنی به زبان یا الگوی داده‌های اصطلاح‌شناختی نهاد استانداردسازی پذیرنده صورت می‌گیرد.

۱-۳-۷-۲

متن ترجمه‌شده ترجمه

در استانداردسازی اصطلاحات، متنی است که معادل متن مبدأ را به زبانی دیگر بیان می‌کند.

۱-۳-۷-۲

ترجمهٔ وفادار^۱

در استانداردسازی اصطلاحات، به متن ترجمه‌شده‌ای (۱-۳-۷-۲) گفته می‌شود که تحریف فنی (۲-۸-۳) نداشته باشد.

یادآوری ۱- اطلاعات متنی در یک مدخل اصطلاح‌شناختی، به عبارت دیگر، یک متن زنجیره‌ای از نویسه‌ها است که می‌تواند از نظر زبانشناسی معنادار تعبیر شود.

یادآوری ۲- ترجمهٔ وفادار یک مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی برای مدخل اصطلاح‌شناختی معادل رخ می‌دهد که از جنبهٔ محتوای فنی با مدخل زبان مبدأ کاملاً یکسان است.

۲-۱-۳-۷-۲

ترجمهٔ همگون^۲

در استانداردسازی اصطلاحات، به متن ترجمه‌شده (۱-۳-۷-۲) همراه با سازگاری‌های صورت‌گرفته گفته می‌شود.

یادآوری ۱- سازگاری‌ها می‌توانند به قراردادهای مختلف یا شاخصه‌های زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده مربوط باشد.

یادآوری ۲- ترجمهٔ همگون یک مدخل اصطلاح‌شناختی منجر به مدخل اصطلاح‌شناختی «تغییریافته» در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده می‌شود.

1- Adapted translation
2- Technical content

۱-۸-۲

محتوای فنی

در استانداردسازی اصطلاحات، مجموعه‌ای از مشخصه‌های یک مفهوم (۱-۴-۲) در یک مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد (۴-۳-۲) است که از طریق تعریف (۵-۲) و دیگر داده‌های اصطلاح‌شناختی (بند ۳-۱-۳، استاندارد ملی ۱۸۸۸۷-۱:۱۳۹۳) بیان می‌شود.

۲-۸-۲

تغییر ویرایشی

در استانداردسازی اصطلاحات به تغییراتی گفته می‌شود که محتوای فنی (۱-۸-۲) را تغییر نمی‌دهد.

یادآوری - فهرستی از تغییرات ویرایشی مجاز در صورت پذیرش معادل یکسان در بند ۲-۲-۳ داده شده است.

[منبع: بند ۳-۷ ISO/IEC Guide 21-1:2004، تعییریافته - افزودن «در استانداردسازی اصطلاحات» بر سر تعریف، ارجاع متقابل به مدخل ۱-۸-۲ «محتوای فنی»، حذف کلمه «ماجرا» پس از «تغییر» و پذیرش ارجاع متقابل در یادآوری ۱ برای هماهنگی با هدف و دامنه کاربرد این استاندارد صورت گرفته است.]

۳-۸-۲

تحریف فنی

در استانداردسازی اصطلاحات، به هرگونه تفاوت میان محتوای فنی (۱-۸-۲) مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد (۴-۳-۲) بین‌المللی و مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد (۴-۳-۲) پذیرفته شده گفته می‌شود.

[منبع: بند ۸-۳ ISO/IEC Guide 21-1:2004، تعییریافته - افزودن «در استانداردسازی اصطلاحات» در ابتدای تعریف و پذیرش تعریف، به منظور هماهنگی با هدف و دامنه کاربرد این استاندارد صورت گرفته است.]

۴-۸-۲

تغییر در عبارت‌پردازی

در استانداردسازی اصطلاحات جایگزینی کلمات منفرد یا عبارات با مترادفها در مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد (۴-۳-۲) ملی است تا بازتاب قراردادهای حوزه‌ویژه^۱، موضوع‌ویژه^۲ و زبان‌ویژه^۳ در منطقه یا کشور نهاد استانداردسازی پذیرنده باشد.

مثال:

برخی کشورها از کلمه «مترو» استفاده می‌کنند و کشورهای دیگر برای همین وسیله کلمه «قطار زیرزمینی» را به کار می‌برند.

1- Domain-specific

2-Subject-- specific

3- language-specific

[منبع: بند ۳-۹، ISO/IEC Guide 21-1:2004، تغییریافته- افزودن «در استانداردسازی اصطلاحات» در ابتدای تعريف و پذیرش تعريف، به منظور هماهنگی با هدف و دامنه کاربرد این استاندارد صورت گرفته است].

۵-۸-۲

اصل معکوس

در استانداردسازی اصطلاحات، اصلی است که با توجه به آن محتویات مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد (۴-۳-۲) بین‌المللی از جنبه محتوای فنی (۱-۸-۲) با محتویات مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد ملی یا منطقه‌ای برابر است و معکوس آن نیز صدق می‌کند.

یادآوری ۱- پای‌بندی به الگوی داده‌های اصطلاح‌شناختی مندرج در استاندارد ملی ۱۸۸۸۷-۱ اجرای اصل معکوس را آسان می‌سازد.

[منبع: بند ۱۱-۳، ISO/IEC Guide 21-1:2004، تغییریافته- افزودن «در استانداردسازی اصطلاحات» در ابتدای تعريف و پذیرش تعريف، به منظور هماهنگی با هدف و دامنه کاربرد این استاندارد صورت گرفته است].

۹-۲

زبان تخصصی

زبان برای مقاصد ویژه^۱

زبانی که در یک حوزه (بند ۱-۳-۳، استاندارد ۲۰۱۰:ISO10241-1:2010) یا موضوع (بند ۲-۳-۳، استاندارد ۲۰۱۰:ISO10241-1:2010) به کار می‌رود و مشخصه آن استفاده از ادات وصفی زبانی خاص است.

یادآوری- ادات وصفی زبانی خاص معمولاً شامل اصطلاحات حوزه‌ویژه و موضوع‌ویژه و عبارت‌شناسی و دیگر انواع معرف می‌شود. هم‌چنین می‌تواند شیوه‌های بازنمایی (یعنی شکل حروف مانند قلم‌های خط، نوع قلم پرنگ، مورب، پرنگ یا شیوه‌های دیگر) متأثر از قراردادهای حوزه‌ویژه، موضوع‌ویژه و زبان‌ویژه باشد.

۳ اصول پذیرش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده

۱-۳ کلیات

- اصول زیر هنگام تصمیم‌گیری درباره چگونگی پذیرش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی باید رعایت شود:
- مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد در صورت امکان باید بدون تحریف فنی پذیرفته شود؛
 - هرگونه اصلاحی باید به‌وضوح شرح داده شود؛

- برای اطمینان از همسانی بافت محتوایی، یک نهاد استانداردسازی که نمایندگی جوامع فرهنگی و زبانی خاص و نیز حوزه‌ویژه و موضوع‌ویژه را بر عهده دارد، درصورت نیاز شاخص‌های خاصی را درنظر بگیرد تا تفاوت‌های میان نظام‌های مفهومی را نشان دهد؛

- نهاد استانداردسازی پذیرنده باید مسئولیت مستندسازی موارد مربوط به فرهنگ‌ویژه^۱، زبان‌ویژه، حوزه‌ویژه یا موضوع‌ویژه را بر عهده بگیرد؛

- مشکلات پذیرش مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی باید ثبت و به نهاد استانداردسازی مربوط گزارش شود تا این نهاد بتواند خدمات خود را به عنوان منبعی برای هماهنگ‌سازی‌های آتی ارائه دهد.

اگر یک نهاد استانداردسازی معین قواعد مجازی برای الگوی داده‌های اصطلاح‌شناختی، عبارت‌پردازی یا بازنمایی مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد منفرد، بازنمایی نظام‌های مفهومی مرتبط یا دیگر عناصر سازنده مدخل‌های اصطلاح‌شناختی داشته باشد، این قواعد یا ارجاع به آنها می‌تواند با استفاده از پیوست الف تهیه شود.

۲-۳ درجات تطابق

۱-۲-۳ کلیات

برای آنکه بتوان مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد ملی یا منطقه‌ای را با مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی مرتبط مقایسه کرد، تعیین درجه تطابق آنها بسیار ضروری است، این امر درصورتی امکان‌پذیر خواهد بود که رابطه میان آنها کاملاً درک شده باشد. راهنمای ISO/IEC Guide 21-1 برای استانداردها سه درجه از تطابق را مشخص می‌کند که می‌تواند در مورد کل مدخل اصطلاح‌شناختی یا قسمی از آن اعمال شود (به جدول ۱ مراجعه کنید).

الف- معادل یکسان^۲

در این حالت مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد ملی در محتوای فنی، الگوی داده‌های اصطلاح‌شناختی و عبارت‌پردازی با مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی برابر است. باوجوداین، می‌تواند تغییرات ویرایشی (به بند ۲-۲-۳ مراجعه شود) اندکی داشته باشد. اصل معکوس در این حالت صدق می‌کند.

1-Culture-specific

2-Identical

^۱ ب- تغییریافته

در این حالت در مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد ملی یا منطقه‌ای تغییرات فنی یا تحریفات الگوی داده‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی (به بند ۳-۲-۳ مراجعه شود) مشخص و توضیح داده شده است. اصل معکوس در این حالت صدق نمی‌کند.

^۲ ج- نابرابر

در این حالت مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد ملی یا منطقه‌ای در محتوای فنی و الگوی داده‌های اصطلاح‌شناختی با مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی برابر نمی‌کند و تغییرات به‌وضوح مشخص نشده است (به بند ۴-۲-۳ مراجعه شود). این درجه از تطابق به عنوان پذیرش در نظر گرفته نمی‌شود.

1- Modified
2-Not equivalent

جدول ۱ - رابطه میان درجه‌های تطابق و شیوه‌های پذیرش و انتشار

تغییرات مجاز			شیوه پذیرش / انتشار	درجه تطابق
تحریفات فنی	تغییرات در الگوی داده‌های اصطلاح‌شناختی	تغییرات ویرایشی مانند بند (۲-۲-۳)		
مجاز نیست	مجاز نیست مگر در مواردی که دربند ۲-۲-۳ ب آمده است	مجاز نیست مگر در مواردی که دربند ۲-۲-۳ ب آمده است	تأیید	معادل یکسان
مجاز نیست	مجاز نیست	مجاز است ^۱ (مراجعه شود به بند ۲-۲-۳)	ترجمه وفادار	
مجاز است ^۲	مجاز است ^۲	مجاز است ^۲	ترجمه همگون	تغییریافته
مجاز است	مجاز است	مجاز است	به عنوان پذیرش در نظر گرفته نمی‌شود. مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد ملی یا منطقه‌ای در محتوای فنی و الگوی داده‌های اصطلاح‌شناختی با مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی برابر نیست و تغییرات بهوضوح مشخص نشده است.	نابرابر
۱- «یکسان» درمورد گونه‌های زبانی همان زبان نیز صادق است، مانند فارسی دری و فارسی تاجیکی ۲- مشروط بر آنکه تحریفات فنی مشخص شده و توضیح داده شود.				

۲-۲-۳ معادل یکسان

براساس قواعد تنظیم شده در راهنمای ISO/IEC Guide 21-1، مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد ملی یا منطقه‌ای با مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی تحت شرایط الف، ب و یا هردو یکسان شمرده می‌شود:

الف- مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد ملی یا منطقه‌ای در محتوای فنی، الگوی داده‌های اصطلاح‌شناختی و عبارت پردازی یکسان است (یا ترجمه وفادار است)؛

- ب- مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد ملی یا منطقه‌ای در محتوای فنی و الگوی داده‌های اصطلاح‌شناختی یکسان است، اگرچه ممکن است اندک تغییرات ویرایشی زیر را دارا باشد:
- ۱- جایگزینی ویرگول به جای نقطه و همگونی جداکننده‌های هزارگان؛
 - ۲- تصحیح اشتباهات چاپی (مانند غلط‌های حروف‌نگاری)؛
 - ۳- تغییر عددگذاری؛
 - ۴- حذف قسمتی از متن که در محتوای فنی تغییری ایجاد نمی‌کند؛
 - ۵- گنجاندن تمام اصلاح‌های فنی یا متمم‌های مدخل اصلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی؛
 - ۶- گنجاندن تمام اطلاعات آموزنده ملی یا منطقه‌ای (مانند محتوایی که از محتوای فنی مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی حذف نشده و به آن اضافه نشده و تغییر نکرده است، مانند مثال‌ها و یادآوری‌های زبان‌ویژه و فرهنگ‌ویژه)؛
 - ۷- نمادهای فرهنگ‌نگاری متفاوت؛
 - ۸- افزودن اطلاعات دستوری؛
 - ۹- حذف نقطه پایانی در تعریف؛
 - ۱۰- تغییر در قالب به‌طوری که نشانگرهای زمان و نمادهای کد نام زبان‌ها و کشورها نمایش داده شود؛
 - ۱۱- تغییرات یا حذف اطلاعاتی در مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی که به فرهنگ یا زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده مربوط نمی‌شود (مانند حذف یک یادآوری که در مورد زبان یا فرهنگ نهاد استانداردسازی پذیرنده اعمال نمی‌شود یا جایگزین کردن مثالی که با زبان و فرهنگ نهاد استانداردسازی پذیرنده هم‌خوانی بیشتری داشته باشد)؛
 - ۱۲- تغییرات در عبارت پردازی همان‌گونه که در بند ۴-۸-۲ در تعریف شده است؛
 - ۱۳- افزودن مقادیر بازشماری‌شده واحدهای کمی با مقاصد اطلاع‌رسانی در زمانی که کشور پذیرنده نظام اندازه‌گیری متفاوتی به کار می‌برد.
 - ۱۴- با رعایت شرایط مذکور، اصل معکوس اجرا شده است.
- هرگونه تغییری در بازنمایی (حتی بازنمایی نسخه‌های الکترونیکی) هیچ تأثیری بر درجه تطابق ندارد.

۳-۲-۳ تغییریافته

تغییرات فنی باید با اصلاحاتی مانند «تغییریافته» و ذکر منبع مشخص شود. همچنین، اطلاعات بیشتر با توضیحاتی چون «افزوده شده»، «جایگزین شده» و «حذف شده» آورده شود. مثال‌های زیر نشان می‌دهد که چگونه تغییرات فنی برای مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد (به بند ۳-۲-۲ مراجعه شود) تغییریافته می‌تواند مشخص شود و توضیح داده شود.

مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد ملی یا منطقه‌ای تغییریافته به شمار می‌آیند اگر الف- ردۀ داده‌های بیشتر یا کمتری نسبت به مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی داشته باشند؛

ب- عبارت‌پردازی تعریف کمتر یا بیشتر از مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی محدود و تفصیلی باشد؛

ج- مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد ملی یا منطقه‌ای مثال‌ها و یادآوری‌های کمتر یا بیشتری نسبت به مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی داشته باشد اما محتوای فنی تفاوتی با هم نداشته باشد؛

- وضعیت الزامی متفاوت (مانند ارجاع به یک معرف قرضی به عنوان مرجع، مجاز یا منسوخ) تعیین شده باشد؛

- ترکیبی از اصلاحات بالا.

۴-۲-۳ نابرابر

اگر دامنه تغییرات فنی که در محتوای فنی یا الگوی داده‌های اصطلاح‌شناختی مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد ملی داده شده است فراسوی مواردی باشد که در بند ۳-۲-۳ و بند ۲-۳-۲ شرح داده شده است، یا اگر تغییرات به‌وضوح مشخص نشده باشد یا هردو، این مدخل با مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی برابر نیست. عدم تطابق یعنی نمی‌توان ادعا کرد مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد ملی یا منطقه‌ای پذیرشی از مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی است. با وجوداین، برای اطلاعات بیشتر می‌توان به مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی ارجاع داد.

۳-۳ اصول خاص مربوط به شیوه‌های پذیرش

هنگامی که مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی به عنوان یک مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد ملی یا منطقه‌ای پذیرش می‌شود مأخذ مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی باید به‌وضوح ذکر شود.

هنگام پذیرش مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی آخرین نسخه (شامل متمم‌ها و تصحیح‌نامه‌های موجود) آن مدخل باید پذیرش شود.

بلافاصله پس از چاپ مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی پذیرفته‌ای که معادل یکسان (از نظر درجه تطابق) است، باید دقت کرد تا مدخل‌ها با تجدیدنظرهای بعدی هماهنگ باشند.

در مورد مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد شده بین‌المللی پذیرش شده‌ای که تغییریافته (از نظر درجه تطابق) است، نهاد استانداردسازی پذیرنده باید بلافاصله پس از چاپ، نهاد استانداردسازی بین‌المللی را از اصلاحاتی که انجام داده است، آگاه کند.

یادآوری- این شرط مستلزم وضع قواعدی تفصیلی برای نگهداری مشترک مخازن مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد توزیعی یا وابسته، اعم از سازوکارهای مربوط در سطح مدخل خواهد بود.

باید دقت کرد که درمورد مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی پذیرفته‌شده‌ای که ترجمه شده است، تغییرات با عبارت‌پردازی صحیحی انجام شود تا محتوای فنی دچار انحراف نشود یا تحریفات فنی را پنهان

(یا نهان) کند. این امر موجب می‌شود مقایسه میان مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی و مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد پذیرفته شده مشکل شود. مشکلاتی که در مقایسه میان مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی و پذیرفته شده دیده می‌شود، می‌تواند هنگام تعیین درجه تطابق مسئله‌ساز شود. این مشکل درمورد درجه تطابق مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد گوناگون که از مناطق و کشورهای مختلف گرفته شده است نیز وجود دارد.

۴ پذیرش مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی به عنوان ابزار هماهنگ‌سازی

۱-۴ کلیات

فرهنگ‌های گوناگون معمولاً از یک شیء واحد، درک و مفهوم یکسانی ندارند. ازین‌رو، لازم است مفاهیم استانداردشده و نظام‌های مفهومی مربوط در فرهنگ‌ها و محیط‌های زبانی گوناگون ساختاری متفاوت داشته باشند. بنابراین، احتمالاً مفهوم و نظام مفهومی از یک مجموعه خاص مدخل‌های اصطلاح‌شناختی در استاندارد ملی با استاندارد بین‌المللی تفاوت دارد.

هنگام پذیرش مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی توصیه می‌شود با رعایت اصول و شیوه‌هایی که دراستاندارد ISO860 ارائه شده است، محتوای فنی یکسان باقی بماند. این استاندارد میان هماهنگ‌سازی در موارد زیر تمایز قائل می‌شود:

- مفاهیم منفرد؛

- نظام‌های مفهومی؛

- اصطلاحات یا معرفه‌های دیگر؛

- تعاریف.

هنگام گزینش معرف/ بازنمود و وضع اصطلاح معادل میان زبان‌ها و نیز تعیین اصطلاحات متراff و گونه‌های اصطلاح در هر زبانی، هماهنگ‌سازی اصطلاحات امری ضروری است. (به بند ۱-۲-۴-۳-۴ استاندارد ISO860:2007 مراجعه شود)

برای مقاصد این استاندارد، هنگام پذیرش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی باید تمام رده‌های داده‌هایی که به یک مفهوم اشاره دارند، درنظر گرفته شوند. این امر شامل بازنمایی‌های غیرکلامی، مثال‌ها، یادآوری‌ها و ذکر منابع و همچنین رده‌های داده‌های ثانویه مربوط می‌شود.

۲-۴ پذیرش مفاهیم استانداردشده بین‌المللی

۲-۴-۱ پذیرش مفاهیم منفرد استانداردشده بین‌المللی

هنگام پذیرش مفاهیم استانداردشده بین‌المللی نخست باید مشخصه‌های مفاهیم تحلیل و با دیگر مفاهیم ملی یا منطقه‌ای موجود سنجیده شود. در مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی که مطابق با استاندارد ISO704 تدوین شده‌اند، مشخصه‌ها در تعریف یا بازنمایی غیرکلامی شرح داده شده است و اطلاعات افزوده می‌تواند مثلاً در قالب یادآوری به مدخل اضافه شود. (به بند ۱-۴-۳-۴ استاندارد ISO860:2007 مراجعه شود).

هنگامی که مفاهیم در نظامهای مفهومی از زبان‌های گوناگون دقیقاً یکسان هستند و مشخصه‌های منطبق دارند، نیازی به هماهنگسازی نیست. با وجوداین، شاید همچنان به هماهنگسازی میان اصطلاحات و دیگر معرفه‌ها و نیز دیگر قسمت‌های مدخل اصطلاح‌شناختی نیاز باشد (برای اطلاعات بیشتر به بند ۴-۳-۲، استاندارد ISO860:2007 مراجعه شود).

هنگامی که پذیرش کامل از یک مفهوم استانداردشده بین‌المللی همراه با تمام داده‌های اصطلاح‌شناختی آن امکان‌پذیر نباشد، باید تفاوت‌های میان مفهوم استاندارد ملی یا منطقه‌ای و نظام مفهومی مربوط در یادآوری صریحاً توضیح داده شود.

اگر یک نهاد استانداردسازی معین برای پذیرش و هماهنگسازی مفاهیم قواعد مجازی داشته باشد، این قواعد یا حداقل ارجاع به آنها همراه با هر قاعده‌ای که حاکم بر عبارت‌پردازی، ساختار و بازنمایی مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد منفرد و بازنمایی نظامهای مفهومی و دیگر قسمت‌های مدخل‌های اصطلاح‌شناختی است، می‌تواند با استفاده از الگوی مندرج در پیوست الف درنظر گرفته شود.

۴-۲-۴ روابط مفهومی

۴-۲-۱ روابط مفهومی میان مفاهیم استاندارد پذیرفته شده و مفاهیم موجود

در ضمن پذیرش مفاهیم استانداردشده بین‌المللی، موارد متناظر مفهومی زیر دیده خواهد شد:

- مفاهیم یکسان؛

- مفاهیم همپوشان؛

- مفاهیمی که در یک نظام مفهومی وجود دارند و در نظام دیگر وجود ندارند؛

- مفهوم منفرد در یک نظام مفهومی که با دو یا چند مفهوم از نظام دیگر تطابق دارد.

(به بند ۴، استاندارد ISO860:2007 مراجعه شود)

در آزمایشی دقیق‌تر، هنگام پذیرش مفاهیم استانداردشده بین‌المللی، موارد تطابق مفهومی زیر باید درنظر گرفته شوند. در جدول ۲ و شکل ۱ اطلاعات بیشتری در مورد هر یک از این موارد ارائه شده است.

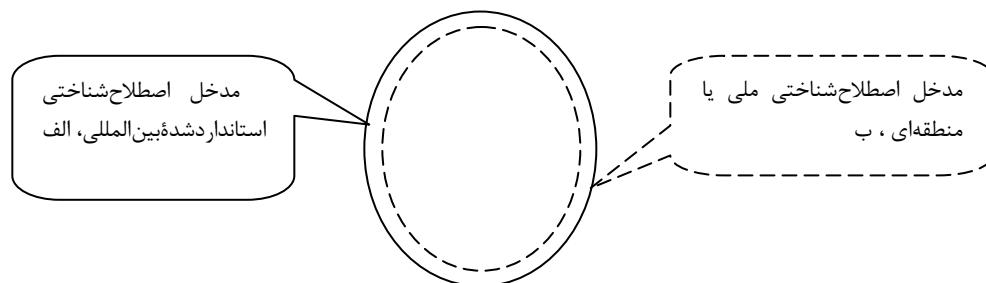
جدول ۲ - روابط مفهومی میان مفاهیم استاندارد پذیرفته شده و مفاهیم موجود

مفاهیم الف و ب یکسان هستند (به بند ۴-۲-۲-۲ مراجعه شود)	مفاهیم یکسان
مفاهیم همپوشان، مانند الف و ب (به بند ۴-۳-۲-۲ مراجعه شود)	مفاهیم همپوشان
یک مفهوم استانداردشده بینالمللی، مانند الف، با دو یا چند مفهوم ملی یا منطقه‌ای مانند ب ۱، ب ۲ مطابقت می‌کند. (به بند ۴-۳-۲-۲ مراجعه شود)	
دو یا چند مفهوم استانداردشده بینالمللی مانند الف ۱، الف ۲ با یک مفهوم ملی یا منطقه‌ای مانند ب مطابقت می‌کند (به بند ۳-۳-۲-۲ مراجعه شود)	
برای مفهوم ملی یا منطقه‌ای مانند ب هیچ مفهوم استاندارد شده بینالمللی مانند الف وجود ندارد (به بند ۴-۲-۲-۱ مراجعه شود)	مفاهیمی که در یک نظام مفهومی وجود دارند و در
برای مفهوم استانداردشده بینالمللی مانند الف هیچ مفهوم ملی یا منطقه‌ای مانند ب وجود ندارد (به بند ۴-۲-۲-۱ مراجعه شود)	نظام دیگر وجود ندارند

مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده بینالمللی، الف

مدخل اصطلاح‌شناختی ملی یا منطقه‌ای، ب

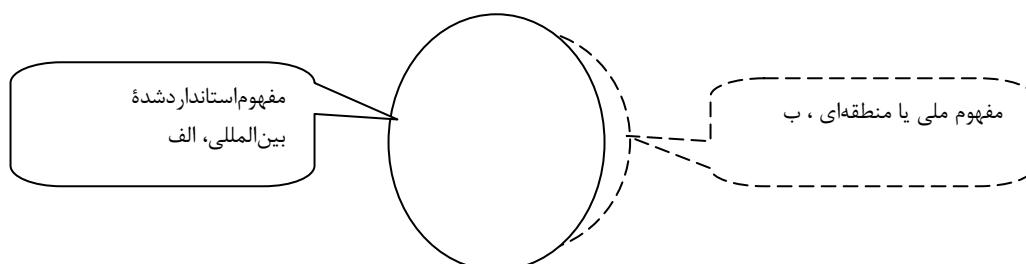
مورد ۱: مفاهیم یکسان (به بند ۴-۲-۲-۲ مراجعه شود)



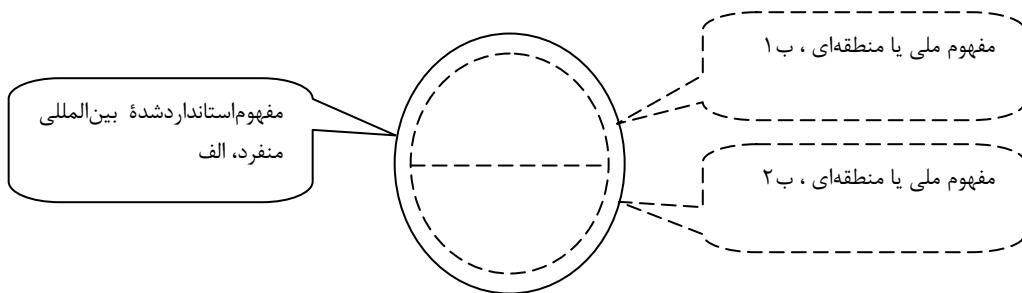
مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده بینالمللی، الف

مددخل اصطلاح‌شناختی ملی یا منطقه‌ای، ب

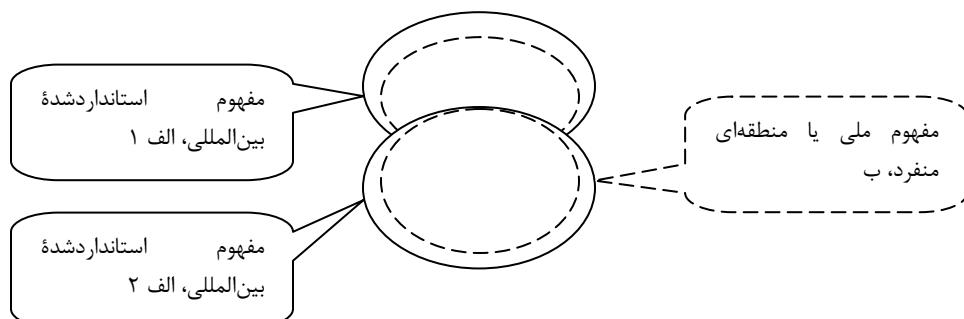
مورد ۲: مفاهیم همپوشان (به بند ۴-۳-۲-۲ مراجعه شود)



مورد ۲، قسمت اول: مفاهیم همپوشان الف و ب (به بند ۴-۳-۲-۲-۱ مراجعه شود)

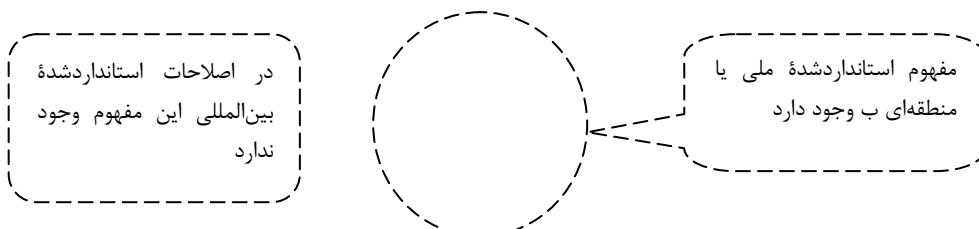


مورد ۲، قسمت دوم: یک مفهوم استاندارد شده بینالمللی، مانند الف، با دو یا چند مفهوم ملی و منطقه‌ای مانند ب۱، ب۲ مطابقت می‌کند. (به بند ۴-۳-۲-۲ مراجعه شود)



مورد ۲، قسمت سوم: دو یا چند مفهوم استاندارد شده بینالمللی مانند الف ۱، الف ۲ با یک مفهوم ملی یا منطقه‌ای مانند ب مطابقت می‌کند (به بند ۴-۳-۲-۲ مراجعه شود)

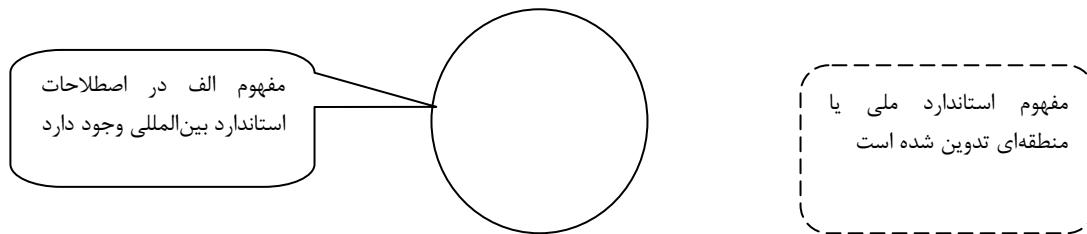
مورد ۳: مفاهیمی که در یک نظام مفهومی وجود دارند و در نظام دیگر وجود ندارند (به بند ۴-۳-۳ مراجعه شود)



مورد ۳، قسمت اول: برای مفهوم ملی یا منطقه‌ای مانند ب هیچ مفهوم استاندارد شده بینالمللی مانند الف وجود ندارد (به بند ۴-۳-۲-۱ مراجعه شود)

مدخل اصطلاح‌شناختی ملی یا منطقه‌ای، ب

مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی، الف



مورد ۳، قسمت دوم: برای مفهوم استاندارد شده بین‌المللی مانند الف هیچ مفهوم ملی یا منطقه‌ای مانند ب وجود ندارد (به بند ۲-۴-۲-۴ مراجعه شود)

شکل ۱- روابط مفهومی میان مفاهیم استاندارد موجود و مفاهیم پذیرفته شده

در مورد آخر، نهاد استانداردسازی پذیرنده مسئول ایجاد یک مفهوم استاندارد ملی یا منطقه‌ای است، هرچند ممکن است این مفهوم به عنوان منبعی برای تجدیدنظر بعدی در مورد مفهوم استانداردشده بین‌المللی به کار گرفته شود.

۲-۲-۴ مفاهیم یکسان

هنگام پذیرش مفهوم استانداردشده بین‌المللی به عنوان یک مفهوم ملی یا منطقه‌ای، باید دقت کرد که محتوای فنی در تعریف کاملاً یکسان باشد. اگر تعریف استاندارد ملی یا منطقه‌ای - و در صورت امکان دیگر قسمت‌های مدخل اصطلاح‌شناختی مانند مثال و یادآوری - بدون هیچ‌گونه کاستی یا تغییر در مشخصه‌های مفهوم به تعریف استانداردشده بین‌المللی ترجمه شود، اصل معکوس اجرا شده است. در موارد زیر می‌توان مفاهیم را یکسان به شمار آورد:

- تعریف استاندارد ملی یا منطقه‌ای در محتوای فنی، الگوی داده‌های اصطلاح‌شناختی و عبارت‌پردازی

همسان باشد (یا ترجمة وفادار باشد);

- تعریف استاندارد ملی یا منطقه‌ای با وجود تغییرات اندک ویرایشی در محتوای فنی و الگوی داده‌های اصطلاح‌شناختی همسان باشد.

۴-۲-۳-۳ همپوشانی مفهومی

۴-۲-۳-۱ مفاهیم همپوشان الف و ب

در بیشتر موارد تعاریف معین مفاهیم استانداردشده بینالمللی برای مفاهیم ملی و منطقه‌ای و نظامهای مفهومی مرتبط نیز به کار می‌رond یا می‌توانند با اصلاحات معینی (به بند ۳-۲-۳ مراجعه شود) در شرایطی که محتوای فنی با مفهوم استانداردشده بینالمللی برابر باشد، پذیرفته شوند. تغییراتی که بر روی تعریف استاندارد ملی یا منطقه‌ای انجام می‌شود باعث تحریفات فنی و احتمالاً تحریفاتی در داده‌های دیگر در مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردی می‌شود که به یک مفهوم یا معرف آن ارجاع می‌دهد.

اگر مدخل اصطلاح‌شناختی مفهوم استانداردشده ملی یا منطقه‌ای با مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد بینالمللی پذیرنده تفاوت داشته باشد، مفهوم ملی یا منطقه‌ای باید به عنوان تغییریافته درنظر گرفته شود. مانند موارد زیر:

- مفهومی که اطلاعات کمتری در اصطلاحات رده‌های داده‌ای در دسترس و اطلاعات گردآوری شده

مرتبط داشته باشد و عبارت پردازی آن زیاد دقیق نباشد؛

- مفهومی که اطلاعات بیشتری در اصطلاحات رده‌های داده‌ای افزوده و اطلاعات گردآوری شده مرتبط

داشته باشد و عبارت پردازی آن دقیق‌تر باشد، یادآوری‌های افزوده نیز داشته باشد؛

- مفهومی که در آن قسمتی از تعریف استانداردشده بینالمللی به گونه‌ای تغییریافته باشد که تنها قسمتی

از محتوای فنی با تعریف استاندارد ملی یا منطقه‌ای مطابقت کند و عبارت پردازی کاملاً متفاوت باشد؛

- مفهومی که در آن معرف برای وضعیت الزامی متفاوتی تعیین شده باشد که می‌تواند مرجح، مجاز یا

منسوخ باشد.

در موارد بالا، اصل معکوس اجرا نمی‌شود. اصلاحاتی که در مدخل‌های اصطلاح‌شناختی پذیرفته شده صورت می‌گیرد باید بهوضوح توضیح داده شود. پس از بازبینی مشخصه‌های مفاهیم اصلاح شده و ویرایش صوری مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده ملی یا منطقه‌ای، باید بازبینی ثانویه‌ای از مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده بینالمللی انجام گیرد تا به نهاد استانداردسازی بینالمللی مربوط ارائه شود و در آنجا در تجدیدنظر بعدی این مدخل این موارد درنظر گرفته شود.

۴-۲-۳-۲-۴ یک مفهوم استانداردشده بینالمللی، مانند الف، با دو یا چند مفهوم ملی و منطقه‌ای مانند ب،

ب ۲ مطابقت می‌کند

اگر یک مفهوم استانداردشده بینالمللی با دو یا چند مفهوم استاندارد ملی یا منطقه‌ای مطابقت کند، کل مفهوم استانداردشده بینالمللی باید حفظ شود. دو یا چند مفهوم ملی یا منطقه‌ای متناظر با تعاریفی که مشخصه‌های افزوده داشته باشند یا مفاهیم فروپایه^۱ را پوشش دهند، باید جای خود را به مفهوم استاندارد بینالمللی پذیرفته شده بدند یا درغیراین صورت به مدخل اصطلاح‌شناختی مفهوم استاندارد بینالمللی پذیرفته شده اضافه

شوند. باید ذکر شود که کدام مدخل‌های اصطلاح‌شناختی مفهوم استاندارد بین‌المللی را بیان می‌دارند و کدامیک بیانگر مفاهیم استاندارد ملی یا منطقه‌ای افزوده هستند.

مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده ملی یا منطقه‌ای افزوده باید به نهاد استانداردسازی بین‌المللی مربوط پیشنهاد شود تا آنها در تجدیدنظر مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی مربوط، این موارد را درنظر بگیرند.

۳-۲-۴ دو یا چند مفهوم استانداردشده بین‌المللی مانند الف ۱، الف ۲ با یک مفهوم ملی یا منطقه‌ای مانند ب مطابقت می‌کند

اگر یک مفهوم ملی یا منطقه‌ای با دو یا چند مفهوم استانداردشده بین‌المللی مطابقت کند، مفهوم ملی یا منطقه‌ای باید:

الف- با مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی جایگزین شود؛

ب- به همان صورت باقی بماند اما آشکارا به عنوان مفهوم استانداردشده ملی یا منطقه‌ای مشخص شود و در یادآوری به مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی ارجاع دهد؛

پ- به همان صورت باقی بماند و آشکارا عنوان مفهوم استانداردشده ملی یا منطقه‌ای را همراه با دو یا چند مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی پذیرش شده افزوده و ارجاع متقابل لازم، داشته باشد.

در مورد قسمت پ، مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده ملی یا منطقه‌ای جامع باید به نهاد استانداردسازی بین‌المللی مربوط پیشنهاد شود تا آنها در تجدیدنظر مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی این موارد را درنظر بگیرند.

۴-۲-۴ مفاهیمی که در یک نظام مفهومی وجود دارند و در نظام دیگر وجود ندارند

۴-۲-۴ برای مفهوم ملی یا منطقه‌ای مانند ب هیچ مفهوم استانداردشده بین‌المللی مانند الف وجود ندارد

بنابه‌دلایل متعدد گاه مفاهیم استانداردشده ملی یا منطقه‌ای هیچ معادلی در مفاهیم استانداردشده بین‌المللی ندارند. برای نمونه، اگر مفاهیم مربوط به محیط‌ها و فرهنگ‌های ملی یا منطقه‌ای مانند فنون یا هنرهای سنتی باشد، در مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی معادلی برای آنها وجود ندارد. نهاد استانداردسازی ملی یا منطقه‌ای باید چنین مفاهیمی را همراه با دلایل روشن به مفاهیم متناظر استاندارد بین‌المللی بیافزاید. آن دسته از مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده برای مفاهیم استاندارد ملی یا منطقه‌ای که در استاندارد اصطلاح‌شناختی بین‌المللی نادیده گرفته می‌شوند، باید در نهاد استانداردسازی بین‌المللی مربوط ثبت شوند تا در آینده در استانداردسازی اصطلاحات بین‌المللی مدنظر قرار گیرند.

۴-۲-۲-۴ برای مفهوم استانداردشده بینالمللی مانند الف هیچ مفهوم ملی یا منطقه‌ای مانند ب وجود ندارد

اگر مفهومی فقط در مفاهیم استانداردشده بینالمللی موجود باشد، چندین گزینه برای ایجاد مفهومی ملی و منطقه‌ای وجود دارد. ضمن برگرفتن تعریف مفهوم استانداردشده بینالمللی به زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده وضعیت‌های زیر می‌تواند رخ دهد:

- واژه یا بیان کلامی عمومی از زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده، می‌تواند به عنوان اصطلاحی برای

تعیین مفهوم به کار رود (به بند ب ۳-۳، استاندارد ISO704:2009 مراجعه شود);

- اصطلاحی موجود در همان حوزه یا موضوع در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده می‌تواند برای تعیین مفهوم استانداردشده بینالمللی به صورت نحوی با مصداقی منطقی منتقل شود که منجر به تولید اصطلاحات همنویسه در همان حوزه یا موضوع شود. با وجود این، این مسئله بهنوبه خود می‌تواند باعث بروز مشکلات ارتباطی در آن حوزه یا موضوع شود (به بند ب ۳-۴، استاندارد ISO704:2009 مراجعه شود);

- اصطلاحی موجود در حوزه یا موضوعی متفاوت در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده می‌تواند برای بازنمایی مفهوم استانداردشده بینالمللی قرض گرفته شود (به بند ب ۳-۵، استاندارد ISO704:2009 مراجعه شود);

- مفهوم می‌تواند با استفاده از اصطلاح مفهوم استانداردشده بینالمللی به عنوان یک اصطلاح قرضی یا با انجام ترجمۀ قرضی ارائه شود (به بند ب ۴، استاندارد ISO704:2009 مراجعه شود);

- نبود یک اصطلاح باید صریحًا با علامتی که بر نبود آن دلالت دارد، نمایان شود. در عین حال، در تدوین آتی مجموعه داده‌های اصطلاح‌شناختی همه گونه تلاشی باید صورت گیرد تا اصطلاحی مطابق با اصول و مثال‌های اصطلاح‌سازی ساخته شود. (به بند ۷، استاندارد ISO704:2009 مراجعه شود).

یادآوری - هنگامی که برای یک مفهوم تعریف شده اصطلاح مناسبی در زبان معین وجود نداشته باشد و هنگامی که هیچ اصطلاح جدیدی نمی‌تواند ساخته شود، این مسئله را ISO/IEC با پنج نقطه «.....» به جای اصطلاح نشان می‌دهند (به بند ۴-۴، استاندارد ملی ۱۸۸۷-۱ مراجعه شود).

در مورد مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده ملی یا منطقه‌ای که به یکی از روش‌های بالا شکل گرفته‌اند، پیوست کردن یک متن توضیحی در قالب یادآوری یا مثال به مدخل اصطلاح‌شناختی مفید خواهد بود (این یادآوری‌ها و مثال‌ها افزون بر یادآوری‌ها و مثال‌هایی خواهد بود که در واقع قسمتی از خود مدخل اصطلاح‌شناختی پذیرفته شده را تشکیل می‌دهند).

۴-۲-۵ اثر پذیرش مفهوم بر هماهنگ‌سازی نظام‌های مفهومی مرتبط

به کارگیری راه حل‌های بالا نه تنها به هماهنگ‌سازی مفاهیم استاندارد شده کمک می‌کند بلکه باعث اجتناب از ناسازگاری میان نظام‌های مفهومی استاندارد شده بین‌المللی و ملی یا منطقه‌ای می‌شود.

اگر میان مفهوم استاندارد شده بین‌المللی و ملی یا منطقه‌ای تحریف فنی اجتناب‌ناپذیری وجود داشته باشد، باید ماهیت تحریف فنی همان‌گونه که در بند ۳-۲-۴ مشخص شده است، توضیح داده شود.

در مورد پذیرش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد شده باید اصول و قواعد مندرج در استاندارد ISO8600، که به هماهنگ‌سازی مفاهیم می‌پردازد، نیز رعایت شود.

۴-۳ پذیرش نظام‌های مفهومی استاندارد شده بین‌المللی

۴-۳-۱ اهداف پذیرش نظام‌های مفهومی استاندارد شده بین‌المللی

نظام‌های مفهومی نه تنها از جنبه تفاوت‌های فرهنگی و زبانی بلکه به دلیل قراردادهای حوزه‌ویژه و موضوع‌ویژه (یعنی فعالیت‌های حرفه‌ای، فنی، علمی، اجتماعی، اقتصادی و دیگر فعالیت‌های تخصصی) می‌توانند با یکدیگر تفاوت داشته باشند. در عمل، هدف از پذیرش یا هماهنگ‌سازی نظام مفهومی، دست‌یابی به نظام مفهومی منفردی است که با نظام‌های مفهومی موجود ترکیب شود یا تمایزی شفاف میان نظام‌های مفاهیم ایجاد کند (به بند ۴-۳-۵، استاندارد ISO8600:2007 مراجعه شود).

بنابراین، نظام مفهومی استاندارد شده بین‌المللی را می‌توان پذیرفت تا

- خلاصه اصطلاحاتی که در یک نظام مفهومی ملی یا منطقه‌ای مورد توجه قرار نگرفته‌اند، پر شود؛

- پاسخگوی نیاز صریح نهاد استانداردسازی پذیرنده باشد؛

- نظام مفهومی استاندارد شده بین‌المللی را جایگزین نظام مفهومی استاندارد شده ملی یا منطقه‌ای ناقص یا ناکافی کند.

پذیرش کامل نظام‌های مفهومی استاندارد شده بین‌المللی باعث تدوین ارتباط در تمام سطوح می‌شود.

اگر نهاد استانداردسازی معینی قواعد متمایزی برای پذیرش و هماهنگ‌سازی نظام‌های مفهومی داشته باشد، این قواعد یا ارجاع به آنها با استفاده از پیوست الف می‌تواند در نظر گرفته شود.

۴-۳-۲ فرایند پذیرش نظام‌های مفهومی استاندارد شده بین‌المللی

۴-۳-۲-۱ مراحل پذیرش نظام‌های مفهومی استاندارد شده بین‌المللی

پذیرش نظام مفهومی استاندارد شده بین‌المللی به وسیله نهاد استانداردسازی ملی یا منطقه‌ای باید عمدهاً مطابق با الگوی مندرج در استاندارد ISO8600 برای هماهنگ‌سازی نظام مفاهیم باشد. این الگو شامل موارد زیر است:

- مطالعات امکان‌سنجی (به بند ۴-۳-۴ مراجعه شود)؛

- روند پذیرش و هماهنگ‌سازی (به بند ۴-۳-۴ مراجعه شود)؛

- حفظ نظام مفهومی پذیرفته شده (به بند ۴-۳-۲-۴ مراجعه شود).

۲-۳-۴ مطالعات امکان‌سنجی

۱-۲-۳-۴ بررسی اولیه

پیش از آنکه نظام مفهومی استاندارد شده بین‌المللی توسط نهاد استاندارد سازی ملی یا منطقه‌ای پذیرش شود، آن نظام و مفاهیم آن باید بررسی شوند تا امکان پذیرش آنها تعیین شود. نخست باید تعیین شود که آیا نظام مفهومی استانداردی که پذیرفته شده است برای نهاد استاندارد سازی پذیرنده کاملاً جدید است یا پیشتر نظام مفهومی مشابه آن در زبان آنها موجود بوده است. در مورد حالت اخیر، باید تعیین شود که آیا

- نظام مفهومی استاندارد شده بین‌المللی پذیرفته شده همان حوزه و موضوع نظام مفهومی ملی یا منطقه‌ای را دارد؛

- هر دو شامل مفاهیم یکسان هستند؛

- نظام مفهومی استاندارد شده بین‌المللی با نظام مفهومی استاندارد شده ملی یا منطقه‌ای هم‌پوشانی دارد؛

- تمام یا فقط قسمتی از مفاهیم نظام مفهومی استاندارد شده بین‌المللی پذیرفته خواهد شد.

پذیرش در شرایط زیر محتمل‌تر است:

الف- زیرمجموعه‌ای از نظام مفهومی استانداردی که پذیرفته خواهد شد، از پیش هماهنگ شده باشد؛

ب- حوزه یا موضوع نظام مفهومی استاندارد بین‌المللی به خوبی تعیین شده و نسبتاً ثابت باشد؛

پ- حوزه یا موضوع به‌طور کلی سابقه استاندارد سازی و به‌طور اختصاصی استاندارد سازی اصطلاح‌شناسی داشته باشد.

۲-۳-۴ تحلیل مفاهیم کلیدی نظام مفهومی استاندارد شده بین‌المللی و نظام مفهومی ملی یا منطقه‌ای مفاهیم کلیدی نظام مفهومی استاندارد بین‌المللی پذیرفته شده باید با معادل خود در نظام مفهومی ملی یا منطقه‌ای مقایسه شود. این مقایسه باید تعیین‌کننده موارد زیر باشد:

- کدامیک از مفاهیم نظام مفهومی استاندارد شده بین‌المللی مشخصه‌هایی مشترک با مفاهیم مشابه در نظام مفهومی ملی یا منطقه‌ای دارند؛

- کدامیک از مشخصه‌های مفهوم در نظام مفهومی استاندارد شده بین‌المللی با نظام مفهومی ملی یا منطقه‌ای تفاوت دارد؛

- کدامیک از مشخصه‌ها برای هر مفهوم کلیدی، بنیادی و اساسی است.

نتایج بررسی‌ها و تحلیل اولیه مذکور، شرایط مطالعات امکان‌سنجی را فراهم می‌آورد و بر تصمیماتی که در روند پذیرش گرفته می‌شود، اثر می‌گذارد.

پذیرشی که شرایط زیر را داشته باشد، به احتمال زیاد کارایی خواهد داشت:

الف- مفاهیم هر دو نظام مفهومی ارتباط نزدیکی با هم داشته و از مشخصه‌های مشترکی برخوردار باشند؛

ب- مشخصه‌های اصلی در هر دو نظام مفهومی استانداردشده بین‌المللی و ملی یا منطقه‌ای یکسان یا مشابه باشند؛

پ- بتوان تطابقی میان مفاهیم کلیدی در هر دو نظام مفهومی استانداردشده بین‌المللی و ملی یا منطقه‌ای صورت داد.

باید دقت کرد تا مطمئن شد که نگاشت ساختار نظام مفهومی باعث تحریف در کاربرد اصلی آن در جامعه کاربر نشود، مگر آنکه منظور اصلی از پذیرش، هماهنگ‌سازی باشد.

۴-۲-۳-۳ روند پذیرش نظام‌های مفهومی استانداردشده بین‌المللی

۴-۲-۳-۴ ۱-۳-۲ مقایسه دقیق و تصمیماتی که باید گرفت

مقایسه‌ای دقیق هنگام مطالعات امکان‌سنجی این وسعت دید را خواهد داد که کدامیک از نظام‌های مفهومی را می‌توان پذیرفت. در این مقایسه باید موارد زیر در نظر گرفته شوند:

- تعداد مفاهیم که پذیرفته خواهند شد؛

- روابط میان مفاهیم؛

- ژرفای ساختاردهی؛

- ملاک‌های تقسیمات فرعی استفاده شده در نظام مفهومی استاندارد بین‌المللی پذیرفته شده.

اگر فقط تعدادی از مفاهیم از نظام مفهومی استانداردشده بین‌المللی پذیرفته شوند، تفاوت‌های میان نظام مفهومی استاندارد شده بین‌المللی حاصل با نظام مفهومی ملی یا منطقه‌ای باید مشخص شود.

۴-۲-۳-۴ ۲-۳ پذیرش نظام مفهومی استانداردشده بین‌المللی

روند معمول پذیرش، با توجه به راهنمای ISO/IEC Guide 21، مطابق با قواعد کلی نهاد استانداردسازی پذیرنده است.

قواعد خاص نهاد استانداردسازی درباره عبارت‌پردازی، ساختاربندی و بازنمایی هر یک از مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده و بازنمایی نظام‌های مفهومی می‌تواند بر بازنمایی نظام مفهومی پذیرفته شده و هر مدخل اصطلاح‌شناختی در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده اثر بگذارد، بدون آنکه در اصل تاثیری بر پذیرش نظام مفهومی استاندارد بین‌المللی داشته باشد.

۴-۲-۳-۴ ۴- حفظ نظام‌های مفهومی ملی یا منطقه‌ای که نظام‌های مفهومی استانداردشده بین‌المللی را پذیرفته‌اند

باتوجه به هدف و دامنه کاربرد طرح پذیرفته شده، نظام مفهومی استانداردشده بین‌المللی پذیرش شده ممکن است دو یا چند حوزه یا موضوع را در نهاد استانداردسازی پذیرنده دربرگیرد. اگر نظام مفهومی به بیش از یک حوزه یا موضوع مرتبط باشد، برای حفظ آن نیاز به همکاری متخصصان بیشتری است.

روش‌های هماهنگی چندجانبه‌ای با همکاری تمام نهادهای استانداردسازی مرتبط باید درنظر گرفته شود تا نظام مفهومی استانداردشده بین‌المللی و مشابه این نظام در استاندارد ملی یا منطقه‌ای ازنظر محتوای فنی برابر باقی بماند.

۴-۴ پذیرش تعاریف استاندارد شده بین‌المللی

۴-۴-۱ پذیرش تعاریف استانداردشده بین‌المللی در استانداردهای ملی یا منطقه‌ای
تعاریف استاندارد ملی یا منطقه‌ای باید برگردان تعاریف استاندارد بین‌المللی پذیرفته شده به زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده باشند. بدان معنی که آنها می‌توانند گاهی ترجمه تحت‌اللفظی باشند؛

- ترجمه بیش از حد نباید آزاد باشد که منجر به ایجاد ابهام شود؛
- توصیه می‌شود قواعد زبانی و قراردادهای زبان و همچنین قراردادهای حوزه‌ویژه و موضوع‌ویژه زبان تخصصی نهاد استاندارد پذیرنده را در نظر بگیرند؛
- توصیه می‌شود تاحدامکان بندهای مندرج دراستاندارد ISO860 و ISO704 را درنظر داشته باشند.

تعاریف باید مصدق و معنای مفهوم را به گونه‌ای بیان کنند که قواعد زبانی و قراردادهای موجود در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده به بهترین شکل ممکن رعایت شوند.

۴-۴-۲ ماهیت تعاریف

براساس استاندارد ISO704 باوجود آنکه تعاریف معنایی کاملاً روش و دقیق هستند، انواع دیگر تعاریف (مصدقی^۱، اشاره‌ای^۲، واژگانی^۳، لغت به لغت^۴ و تصريحی^۵) نیز به کار می‌روند.
اگر لازم باشد می‌توان نوع دیگری از تعریف را در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده به کار برد که با تعریفی که در مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی آمده است، تفاوت دارد و در آن مفاد مفهوم استانداردشده بین‌المللی در تعریف استاندارد ملی یا منطقه‌ای حفظ شده است. در یادآوری مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده ملی یا منطقه‌ای باید ذکر شود که چه اصلاحاتی در تعریف صورت گرفته است. در این مورد، اصل معکوس اجرا نمی‌شود.

1- Extensional

2- Ostensive

3- Lexical

4- Precising

5- Stipulative

۴-۴ عبارت‌پردازی تعاریف

براساس استاندارد ISO704 یک تعریف باید با توضیح مفهوم و رابطه آن با دیگر مفاهیم در نظام مفهومی، نمایانگر نظام مفهومی خود باشد. به عنوان مثال، مفاهیم همپایه باید با استفاده از همان طبقه (یعنی اصطلاحی برای مفهوم فراپایه) تعریف شوند و حداقل با یکی از مشخصه‌های مرزنشا از دیگر مفاهیم متمایز شوند.

ممکن است هنگام برگرفتن تعریف استانداردشده بین‌المللی طیفی از مسائل گوناگون با توجه به زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده به وجود آید. علاوه بر آنچه در همسازی زبانی مورد نیاز است، اطمینان از اینکه عبارت‌پردازی تعریف استاندارد بین‌المللی در محتوای فنی با تعریف استاندارد ملی یکسان باشد، بسیار اهمیت دارد.

اگر به عنوان مثال، یک موضوع منفی در یک جمله با موضوعی مثبت که با گزاره‌ای منفی ترکیب شده است، تعديل داده شود، هنوز محتوای فنی یکسان محسوب می‌شود. در زبان‌هایی که بند موصولی ندارند باید در مورد ترتیب کلمات بسیار دقت کرد تا تعریف در محتوای فنی همسان یا برابر باشد. برای مثال، ترجمۀ معانی حروف اضافه از انگلیسی به زبان‌هایی که حرف اضافه ندارند ممکن است با افزودن یک معرف صورت گیرد. اگر نهاد استانداردسازی مرتبط قواعد مجازی برای عبارت‌پردازی تعریف داشته باشد، این قواعد یا حداقل به آنها ارجاع شود (به پیوست الف مراجعه شود).

۴-۴ مفاهیم تعریفی در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده

علاوه بر تفاوت‌های واژگی‌های واژنحوی^۱ میان معرف‌های استانداردشده بین‌المللی و معادل آنها در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده، تقطیع و ترکیب کلمه نیز ممکن است متفاوت باشد. این مسئله ممکن است باعث نمود مشکلاتی در پذیرش تعریف استانداردشده بین‌المللی شود.

قواعد برگرفتن نظام‌های اصطلاحی منطبق با نظام‌های مفهومی به زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده یا حداقل خلاصه‌ای از آنها می‌تواند با استفاده از الگوی مندرج در پیوست الف تهیه شود.

۴-۵ اجتناب از پذیرش تعاریف ناقص

انواع معمول تعاریف ناقص عبارت‌اند از:

- تعاریف چرخه‌ای (همان‌گویی);
- تعاریف نادقيق;
- تعاریف منفی.

(به بند ۶-۵، استاندارد ۰۹۰۷۰۴:۲۰۰۹ مراجعه شود)

نهاد استانداردسازی ملی یا منطقه‌ای هنگام پذیرش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی باید بسیار دقت کند تا از پذیرش تعاریف ناقص اجتناب شود.

۴-۵ عبارت‌پردازی دیگر سازه‌های متنی مدخل‌های اصطلاح‌شناختی

شاید لازم باشد هنگام پذیرش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی مثل، یادآوری یا انواع دیگر اطلاعات متنی جایگزین یا حذف (اگر غیرمتداول است) یا به مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده ملی یا منطقه‌ای پیوست شود.

گاهی اتفاق می‌افتد که مثال‌ها، به‌ویژه آنها که زبان‌ویژه یا فرهنگ‌ویژه هستند، نمی‌توانند برگرفته یا ترجمه شوند و باید مثال‌های تازه و مناسبی برای جایگزین کردن آنها یافت. در صورت لزوم، این مثال‌های جدید باید در یادآوری توضیح داده شوند.

در هر مجموعه از داده‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد این امکان وجود دارد که منحصراً به هر یادآوری ارجاع داده شود. (به استاندارد ملی ۱۸۸۸۷-۱ مراجعه شود) بنابراین، تمام یادآوری‌ها باید شماره‌گذاری شود. یادآوری که تنها درمورد یک زبان معین مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی به کار می‌رود و در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده به کار نمی‌رود و همچنان یادآوری که فقط در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده به کار می‌رود باید مشخص شود.

اگر یک نهاد استانداردسازی معین قواعد خاصی برای سازه‌های متنی مدخل‌های اصطلاح‌شناختی غیر از عبارت‌پردازی تعاریف داشته باشد، این قواعد یا حداقل ارجاع به آنها می‌تواند با استفاده از الگوی مندرج در پیوست الف درنظر گرفته شود.

۴-۶ بازنمایی‌های غیرکلامی

بازنمایی‌های غیرکلامی استانداردشده بین‌المللی نباید تغییر یابد. اگر این امر به طور کلی یا در برنامه‌های کاربردی معینی ممکن نباشد، نهاد استانداردسازی پذیرنده باید این اصلاحات را صریحاً توضیح دهد.

اگر یک نهاد استانداردسازی معین قواعد خاصی برای بازنمایی‌های غیرکلامی داشته باشد، این قواعد یا حداقل ارجاع به آنها می‌تواند با استفاده از الگوی مندرج در پیوست الف درنظر گرفته شود.

۴-۷ گزینش و شکل دهی معرف‌ها / بازنمودها

۴-۷-۱ انواع معرف‌ها / بازنمودها

بازنمایی یک مفهوم با استفاده از ابزار زبانی یا غیرزبانی است. معرف‌ها شامل اصطلاحات، نام‌ها (از جمله اسمی خاص) و نمادها- نمادهای حرفی، نمادهای نگاشتاری و دیگر نمادهای غیرزبانی هستند. نمادهای نگاشتاری معرف‌های غیرکلامی به شمار می‌روند. برخی از معرف‌های غیرکلامی وابسته به فرهنگ هستند.

برخی از نمادهای حرفی مانند نمادهای خاص بین‌المللی برای کمیت‌ها و واحدها، شبیه شکل‌های اختصاری نام کمیت‌ها و واحدها هستند، اما نمادها کارکردهای ارتباطی بیشتری دارند. نمادهای حرفی مرکب می‌توانند شامل اعداد، نمادهای ریاضی، نشانه‌های نویسه‌نگاشتی و نشانه‌های نحوی (یعنی علائم سجاوندی، خط تیره‌ها، کمان‌ها، قلاب‌ها و دیگر حروف فصل یا وصل) و گاهی صورت‌های نوشتاری (مانند نوع قلم و قواعدی مانند قلم پرنگ، مورب، مورب پرنگ یا شیوه‌های دیگر) باشند که تحت تأثیر قواعد حوزه‌ویژه، موضوع‌ویژه یا زبان‌ویژه قرار

می‌گیرند. با توجه به این قواعد، نمادهای حرفی می‌توانند براساس قواعد زبانی (تمدیدی اگر لازم باشد) در نمایه‌ها منظم شوند، در حالی که نمادهای نگاشتاری نمی‌توانند.

یادآوری - براساس استاندارد ISO704 تمام نمادها معرف نیستند.

توصیه می‌شود بسیار دقت کرد تا در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده معرف پذیرفته شده تبدیل به همنویسه نگردد و مترادفها غیرضروری نیز حذف شود. اگر معرف پذیرفته شده شبیه نام تجاری ثبت شده یا نام تجاری دیگری درکشور یا منطقه پذیرنده باشد، نباید به زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده وارد شود. اگر یک نهاد استانداردسازی معین قواعد خاصی برای معرف‌ها داشته باشد، این قواعد با حداقل ارجاع به آنها می‌تواند با استفاده از الگوی مندرج در پیوست الف درنظر گرفته شود.

۴-۷-۴ اصطلاحات و معرف‌های کلامی دیگر

۴-۷-۴-۱ ملاحظات کلی درمورد اصطلاحات و معرف‌های کلامی دیگر

براساس استاندارد ملی ۱۸۸۷-۱ معرف‌های کلامی اصطلاحات (از جمله صورت‌های کامل و صورت‌های اختصاری و همچنین اصطلاحات مترادف، گونه‌ها، همنام‌ها، متضادها و اصطلاحات معادل در زبان‌های دیگر)، نمادهای حرفی و نامها را در بر می‌گیرند.

ممکن است اصطلاحات کاملاً ترکیبی و دارای دو یا چند ریشه و کلمه باشند: اصطلاح ساده فقط یک ریشه دارد و اصطلاحی که دو یا چند ریشه داشته باشد اصطلاح مرکب نامیده می‌شود (به بند ۴-۲-۱، استاندارد ISO704:2009 مراجعه شود). در پذیرش اصطلاح استانداردشده بین‌المللی، اصطلاح مرکب به خصوص اگر به خط دیگری نوشته شده باشد، ممکن است به اصطلاح ساده تبدیل شود و اصطلاح ساده ممکن است در صورت نوشتاری زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده تبدیل به اصطلاح مرکب بشود. عناصر ساختواری ساخت اصطلاح ممکن است در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده نامفهوم یا حتی گم شوند، در حالی که ممکن است به دلیل قراردادهای زبانی نهاد استانداردسازی پذیرنده عناصر ساختواری دیگری افزوده شوند.

اصطلاحات ممکن است شامل حروف و نشانه‌های حرفی، اعداد، نمادهای ریاضی، نشانه‌های نویسه‌نگاشتی و نشانه‌های نحوی (یعنی علائم سجاوندی، خط تیرهای، کمان‌ها، قلاب‌ها و دیگر حروف فصل یا وصل) و گاهی صورت‌های نوشتاری (مانند نوع قلم و قواعدی مانند قلم پرنگ، مورب، مورب پرنگ یا شیوه‌های دیگر) باشند که تحت تأثیر قواعد حوزه‌ویژه، موضوع‌ویژه یا زبان‌ویژه قرار می‌گیرند. در زبان یا خط نهاد استانداردسازی پذیرنده چگونگی ارائه عناصر اصطلاح یا ویژگی‌ها ممکن است با آنچه در مدخل‌های استانداردشده بین‌المللی استفاده می‌شود تفاوت داشته باشد.

۴-۷-۲-۲ گونه‌ها، اصطلاحات متراffد، هم‌نویسه‌ها و هم‌آواها

اصطلاح ممکن است دارای گونه‌هایی مانند صورت‌های متفاوت نوشتاری باشد. هنگام پذیرش یک اصطلاح، به خصوص اگر به خط نهاد استانداردسازی پذیرنده نوشته شود، گونه‌های موجود مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی پذیرفته شده می‌توانند به صورت یک اصطلاح، بیان شوند. به عبارت دیگر، گونه‌های بالقوه جدید به سبب مشخصه‌های آواشناختی زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده می‌توانند به وجود آیند. توصیه می‌شود نهاد استانداردسازی پذیرنده از ساختن گونه‌های اضافی اجتناب کند.

در یک زبان معین، اصطلاحاتی که برای بازنمایی یک مفهوم به کار می‌روند اصطلاحات متراffد (متراffدها) نامیده می‌شوند. متراffدها نمایانگر زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده هستند. بنابراین، حتی هنگامی که مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی برای اصطلاحی چند متراffد داشته باشد، لازم نیست متراffدی یا به همان تعداد متراffد در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده وجود داشته باشد. این قاعده در مورد گونه‌ها نیز صادق است.

هم‌نویسه‌هایی (به بند ۳-۲-۷، استاندارد ISO704:2009 مراجعه شود) که به یک مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد شده بین‌المللی ارجاع می‌دهند لزوماً در زبان یا خط نهاد استانداردسازی پذیرنده هم‌نویسه به شمار نمی‌روند. هم‌آواهایی (به بند ۳-۲-۷، استاندارد ISO704:2009 مراجعه شود) که در یک زبان هم‌نویسه نیستند می‌توانند در زبان یا خطی دیگر هم‌نویسه باشند. همان قاعده در مورد هم‌نویسه‌هایی که در یک زبان هم‌آواها نیستند و در زبان یا خط دیگر هم‌آوا هستند، نیز صادق است.

۴-۷-۳-۲ یافتن، ساختن یا قرض‌گیری اصطلاحات یا بازنمودهای کلامی دیگر

یکی از اهداف عمدۀ استانداردسازی اصطلاحات، استخراج یا حداقل کاهش تعداد متراffدها، هم‌نویسه‌ها یا هم‌آواها و گونه‌های است. از طرفی، هر دو عمل یافتن و ساختن اصطلاحات نوساخته برای مفاهیم موجود یا نومفاهیم استاندارد و از طرف دیگر برگرفتن اصطلاحات قرضی از مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد ناگزیر منجر به ساختن متراffد ها، هم‌نویسه‌ها یا هم‌آواها و گونه‌های ناخواسته در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده می‌شود. افزایش تعداد هم‌نویسه‌ها یا هم‌آواها در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده باعث ایجاد اختلال در ارتباط می‌شود. بنابراین، توصیه می‌شود دقیقاً تا حد امکان از هم‌نویسه‌ها و هم‌آواها اجتناب شود.

توصیه می‌شود هر اصطلاحی که برای بیان مفهوم استانداردشده بین‌المللی یافته یا ساخته می‌شود و هر اصطلاح استانداردشده بین‌المللی که به عنوان اصطلاح قرضی گرفته می‌شود بررسی شود تا در آینده به متراffدی افزوده شده، هم‌نویسه، هم‌آوا یا یک نام در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده تبدیل نشود.

نام‌هایی که در مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی دیده می‌شوند، می‌توانند با دو یا چند نام مشابه اشتباه گرفته شوند. هم‌چنین، می‌توانند نام یا علامتی ثبت شده بسازند یا به طرق متفاوتی (یعنی گونه‌های مختلف) در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده بیان شوند. افزون‌براین، اصطلاح یا قسمتی از آن که بیان‌گر مفهوم استانداردشده بین‌المللی است، می‌تواند در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده به نام تبدیل شود یا به اشتباه جای

نام را بگیرد. بنابراین، نهاد استانداردسازی نیاز دارد که ظهور یا استفاده از نامها را بررسی کند و شاید نیاز باشد که برای این کار قوانین وضع کند.

باتوجه به زبان یا خط نهاد استانداردسازی پذیرنده، اصطلاحات یافته شده یا نوساخته و همچنین اصطلاحات قرضی می‌توانند گونه‌هایی در شکل نوشتاری خود و تفاوت‌هایی متغیر در تلفظ یا گونه‌هایی در شکل نوشتاری و تلفظ‌های متفاوت در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده داشته باشند. برخی از گونه‌ها همچنین می‌توانند همنویس یا همآوا باشند و این امر بر حوزه ارتباط و همچنین بر جستجو، الفبایی کردن و فرآیندهای دیگری که در فرایند زبان طبیعی به کار می‌روند، اثر می‌گذارد.

می‌توان از گونه‌ها برای کمک به کاربر استفاده کرد تا بتواند اصطلاح مرجح درست را بیابد (مانند نمایه‌ها که به مدخل‌های اصطلاح‌شناختی اشاره می‌کنند). اگر گونه‌ها به این طریق استفاده شوند، توصیه می‌شود درجای خود به عنوان اصطلاحات غیرمرجح یا گونه‌های منسوخ در بافت معین مشخص شوند.

اگر نهاد استانداردسازی معین قوانین خاصی برای اصطلاح‌گزینی یا اصطلاح‌سازی داشته باشد، این قواعد یا حداقل خلاصه‌ای از آنها می‌تواند با استفاده از الگوی مندرج در پیوست الف در نظر گرفته شود.

۴-۷-۴ رابطه واحد میان اصطلاحات و مفاهیم

هنگامی که لازم است میان قراردادهای حوزه‌بیژن یا موضوع‌بیژن معینی ارتباط دقیق و صحیحی شکل بگیرد، باید اطمینان حاصل کرد که در آن حوزه یا موضوع اصطلاح معین فقط به یک مفهوم اختصاص داده شده باشد و آن مفهوم معین را فقط یک اصطلاح مرجح بیان کند (به بند ۴-۲-۷ استاندارد ISO704:2009 مراجعه شود). هدف کلی استانداردسازی اصطلاحات تسهیل ارتباط با استفاده از کاهش مترادف‌ها و همنویسه‌ها و ابهامات آتی است. با وجوداین، در عمل غالباً مترادف‌ها، همنویسه‌ها و همآواها دیده می‌شوند و بنابراین در استانداردسازی اصطلاحات، روابط مربوط به اصطلاح- مفهوم باید صریحاً مشخص شود.

از آنجایی که در جوامع زبانی گوناگون، بهندرت زبان‌ها و قراردادهای حوزه‌بیژن یا موضوع‌بیژن به صورت همگام توسعه می‌یابند، مدخل اصطلاح‌شناختی ملی یا منطقه‌ای می‌تواند مترادف‌ها و همنویسه‌های بیشتر یا کمتری نسبت به مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد شده بین‌المللی داشته باشد. بالعکس، مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی می‌تواند مترادف‌ها و همنویسه‌های بیشتری از مدخل اصطلاح‌شناختی معادل ملی یا منطقه‌ای داشته باشد. افزون‌براین،

- اصطلاح می‌تواند در یک زبان صورت اختصاری داشته و در زبانی دیگر نداشته باشد؛
- تعداد هم‌نام‌ها می‌تواند در زبان‌های گوناگون یکسان نباشد؛
- وضعیت الزامی^۱ اصطلاحات می‌تواند در زبان‌های گوناگون یکسان نباشد.

بنابراین، معمولاً تطابق یک به یک میان تعداد و هویت اصطلاحات و دیگر معرفهای کلامی در مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد شده در زبان‌های گوناگونی که محتوای فنی یکسانی دارند، وجود ندارد. این آرایه از تفاوت‌ها با قرض‌گیری اصطلاحات و مفاهیم، بین زبان‌ها پیچیده‌تر می‌شود؛ این مسئله زمانی که از خطهای مختلف استفاده شود، باز هم پیچیده‌تر می‌شود.

۴-۷-۵ اصطلاح‌گزینی و اصطلاح‌سازی

۴-۷-۶ اصول کلی اصطلاح‌گزینی و اصطلاح‌سازی

استانداردهای بین‌المللی گوناگون برای نهادهای استانداردسازی پذیرنده مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد، راهنمایی درمورد اصطلاح‌گزینی و اصطلاح‌سازی تهیه می‌کنند. توصیه می‌شود هنگام گزینش یا ساختن اصطلاح مناسب در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده نهایت تلاش صورت گیرد. استاندارد ISO704 اصول زیر را برای اصطلاح‌سازی ارائه می‌دهد:

- شفافیت؛

- انسجام؛

- تناسب؛

- کم‌کوشی زبانی؛^۱

- اشتراق‌پذیری و ترکیب‌پذیری؛

- اصلاحات زبانی؛

- ترجیح زبان بومی.

قواعد مختلف اصطلاح‌سازی در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده هنگام برگرفتن مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد شده می‌تواند موجب بروز مشکلاتی شود. گاهی اصطلاح استاندارد بین‌المللی با اصول اصطلاح‌شناسی هم‌خوانی ندارد اما در قسمتهای مربوط به حوزه بسیار استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، توصیه می‌شود چنین اصطلاحی هنگام پذیرش از مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد شده بین‌المللی ترجمه نشود، زیرا با ترجمه چنین اصطلاحی ممکن است خصوصیات ناخواسته‌ای از اصطلاح منبع انتقال داده شود.

۴-۷-۶ گزینش یا ساخت اصطلاح جدید در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده

اگر در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده هیچ اصطلاح مناسبی برای بیان مفهوم یک مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی وجود نداشته باشد، برای انتخاب یا ساختن اصطلاح جدید ملی یا منطقه‌ای می‌توان از گزینه‌های زیر استفاده کرد:

- ساختن یک اصطلاح جدید با درنظر گرفتن اصول اصطلاح‌سازی (به پیوست ب،

استاندارد ISO704:2009 مراجعه شود)؛

- قرضگیری یک واژه یا عبارت از زبان روزمره (به پیوست ب ۳-۳، استاندارد ISO704:2009 مراجعه شود)؛
- قرضگیری یک اصطلاح موجود از همان حوزه یا موضوع (به پیوست ب ۴-۳، استاندارد ISO704:2009 مراجعه شود). (این گزینه به دلیل آنکه وجود اصطلاحات همنویسه در یک حوزه یا موضوع باعث نارسانی ارتباط می‌شود، توصیه نمی‌شود)؛
- قرضگیری یک اصطلاح موجود از حوزه یا موضوعی دیگر (به پیوست ب ۵-۳، استاندارد ISO704:2009 مراجعه شود)؛
- استفاده از یک اصطلاح از مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی؛
- ترجمه (تحت‌اللفظی) اصطلاح از مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی (به پیوست ب ۴، استاندارد ISO704:2009 مراجعه شود)، (این گزینه به دلیل آنکه ممکن است خصوصیات ناخواسته‌ای از اصطلاح پذیرفته شده گرفته شود که با اصول کلی اصطلاح‌سازی هم‌خوانی ندارد، توصیه نمی‌شود)؛
- کمبود یک اصطلاح صریحاً با استفاده از یک نشان مشخص شود. هنگام تدوین بیشتر مجموعه داده‌های اصطلاح‌شناختی، تلاش شود تا اصطلاحی مطابق با اصول و مثال‌های ارائه شده در بند ۷، استاندارد ISO704:2009 ساخته شود.

یادآوری- هنگامی که در زبانی معین اصطلاح مناسبی برای یک تعریف مشخص یافت نشود، و نتوان اصطلاح جدیدی برای آن ساخت، طبق پیشنهاد ISO/IEC این مورد را در جایگاه اصطلاح با آرایه‌ای از پنج نقطه «.....» نشان می‌دهند (به بند ۴-۴ استاندارد ISO10241-1:2010 مراجعه شود).

- توصیه می‌شود که هنگام انتخاب یا ساخت اصطلاحی نو، دقت شود تا اصول کلی اصطلاح‌سازی رعایت شده و اطمینان حاصل شود که اصطلاح:
- با تعریف مفهوم استانداردی که پذیرفته شده است تناسب داشته باشد؛
 - با شروط قانونی، استانداردها و قراردادهای زبانی و حوزه‌ویژه و موضوع‌ویژه زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده سازگار باشد؛
 - در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده باعث ایجاد همنویسه یا هم‌آوا نشود؛
 - از جنبه نوشتاری و آوایی شبیه نام تجاری نباشد.

اگر اصطلاح برگزیده یا نوساخته برای تکمیل یا جایگزینی یک اصطلاح موجود به کار می‌رود، یک اصطلاح متراوفی را به وجود می‌آورد که وضعیت الزامی آن باید در ارتباط با اصطلاح موجود یا جایگزین شده مشخص شود.

۴-۵-۲-۷ خصوصیات واژنحوی مختلف

خصوصیات واژنحوی مخصوصاً هنگام برگرفتن اصطلاح استانداردشده بین‌المللی به عنوان یک اصطلاح قرضی، از میان خواهند رفت یا باعث بروز مشکلاتی در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده خواهند شد. مثال‌هایی از این گونه خصوصیات در زیر آمده است:

- ترتیب عناصر اصطلاح و نیز تقطیع یا ترکیب؛
- جنسیت یا طبقه اصطلاح؛
- تصریف و صرف فعل؛
- وندها (مانند پیشوندها، پسوندها و میان‌وندها)؛
- شمار (مانند جمع یا مفرد)؛
- نحوه اشاره کردن به اشیا یا شمارش آنها.

اگر در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده قاعده‌ای در مورد چنین خصوصیاتی وجود نداشته باشد، بهتر است که قواعدی جامع و نظاممند وضع یا حتی استاندارد شود.

قواعد مربوط به خصوصیات واژنحوی اصطلاحات استانداردشده بین‌المللی در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده یا حداقل خلاصه‌ای از آنها را می‌توان با استفاده از الگوی مندرج در پیوست الف درنظر گرفت.

۴-۵-۳-۷ اصطلاحات در حوزه‌ها و موضوعات تازه

در مورد حوزه‌ها و موضوعات جدید اغلب لازم است تا در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده اصطلاحاتی جدید ساخته شود یا از اصطلاحات موجود در آن استفاده شود و این امر نیازمند مباحثه متخصصان است. اصطلاح برگزیده یا نوساخته باید با اصول اصطلاح‌سازی هم‌خوانی داشته باشد. گاهی می‌توان از اصطلاحی که بیانگر مفهومی مشابه است استفاده کرد به شرط آنکه برای اجتناب از ابهام همراه با یک معرف باشد.

اگر در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده اصطلاحی برای بیان مفهوم استانداردشده بین‌المللی پذیرفته شده وجود نداشته باشد یا اصطلاحات موجود برای این منظور مناسب نباشند، قرض‌گیری اصطلاح می‌تواند راه حلی برای این مشکل باشد. اصطلاحات در شرایط زیر می‌توانند قرض‌گرفته شوند تا مفاهیم جدید را بیان کنند:

- با گرفتن یک اصطلاح از همان حوزه یا موضوع (قرض‌گیری درون‌رشته‌ای) ترجیحاً با افزودن یک تغییردهنده به منظور اجتناب از همنویسه‌ها یا هم‌واها؛
- با گرفتن یک اصطلاح از حوزه یا موضوع دیگر (قرض‌گیری میان‌رشته‌ای) ترجیحاً با افزودن یک تغییردهنده اگر اصطلاح از حوزه یا موضوع مرتبط باشد؛

- با تشبیت یک واژه یا عبارت روزمره زبان برای بیان مفهوم پذیرفته شده؛
 - با اقتباس اصطلاح استانداردشده بین‌المللی (اگر فقط یک اصطلاح باشد) به عنوان اصطلاح قرضی؛
 - با گرفتن یک یا مجموعه‌ای از اصطلاحات استانداردشده بین‌المللی (اگر بیش از یک اصطلاح باشد) به عنوان اصطلاح یا اصطلاحات قرضی، مادامی که به مواردی چون وضعیت الزامی و مسائل زبانی توجه شود؛
 - با اقتباس صورت اختصاری از صورت کامل اصطلاح استانداردشده بین‌المللی به عنوان اصطلاح قرضی.
- ۴-۷-۵-۵ انتخاب یک اصطلاح استانداردشده بین‌المللی**
- هنگام انتخاب یک اصطلاح استانداردشده بین‌المللی باید جنبه‌های گوناگونی را در نظر گرفت که شامل موارد زیر است:
- گونه‌های اصطلاح استانداردشده بین‌المللی؛
 - هرنوع مسئله زبانی مربوط به آوانویسی؛
 - جنبه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی زبان در پذیرش؛
 - وضعیت الزامی در ارتباط با اصطلاحات موجود؛
 - ظهور گونه‌ها در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده؛
 - ظهور متراffد‌ها و همنام‌های جدید در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده.

توصیه می‌شود پیش از پذیرش اصطلاح استانداردشده بین‌المللی برای مدخل اصطلاح‌شناسی استاندارد ملی یا منطقه‌ای دقت شود، اگر اصطلاح قرضی در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده «طبیعی» به نظر نیاید، کاربران آن را نخواهند پذیرفت. به عبارت دیگر، کاربران ممکن است عملاً ترجیح دهند که اصطلاح قرضی را بپذیرند هرچند که از جنبه زبان‌شناسی با زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده کاملاً تناسب نداشته باشد. این امر به‌ویژه در جایی که به نمادهای استانداردشده بین‌المللی یا نامگان^۱ نیاز باشد، اتفاق می‌افتد و اصطلاح مربوط در شکل اصلی خود همراه با خصوصیات خاص خود پذیرفته می‌شود. توصیه می‌شود توجه کافی به این گونه پرسش‌ها داشت و در صورت لزوم قواعدی نظاممند وضع کرد.

اصطلاح استانداردشده بین‌المللی می‌تواند دارای عناصری باشد که در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده ناآشنا هستند مانند نمادها و نشانه‌های ریاضی، نشانه‌های نحوی و نویسه‌نگاشتی، ممیزها و نمادهای حرفی. گاهی این عناصر به شیوه‌های گوناگون نوشتاری (یعنی نوع قلم، قواعدی مانند قلم پرنگ، مورب و پررنگ مورب و شیوه‌های دیگر) منتقل می‌شوند که با قراردادهای حوزه‌ویژه، موضوع‌ویژه یا زبان‌ویژه در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده نامأнос هستند. اگر نهاد استانداردسازی پذیرنده چنین اصطلاحی را قرض بگیرد گاهی این عناصر و

تعابیر آنها نادیده گرفته می‌شوند، زیرا یا مفاد آنها شناخته نمی‌شود یا عوض می‌شوند. این امر می‌تواند باعث پیامدهای نامطلوبی مانند تولید گونه‌های غیرضروری اصطلاح شود.

اگر زبانی که خط متفاوتی دارد اصطلاح استانداردشده بین‌المللی را به عنوان اصطلاح قرضی بپذیرد، شاید نیاز باشد موارد بیشتری را درنظر گرفت و قوانین ویژه‌ای وضع کرد.

۶-۵-۲-۷-۴ نظام‌های اصطلاحی منطبق با نظام‌های مفهومی

اصطلاحات در برخی حوزه‌ها و موضوعات مطابق با قواعد نظاممندی شکل می‌گیرند که این قواعد برپایه ساختاری واژگانی و ساختواری بنا نهاده شده‌اند، به‌طوری‌که بازتاب نظام مفاهیمی هستند که می‌خواهند آن را بیان کنند. نامگان‌های علمی نمونه‌ای از این موارد هستند. توصیه می‌شود این قواعد حداقل رعایت شوند؛ گاهی رعایت آنها اجباری است. توصیه می‌شود در چنین مواردی اصطلاح استانداردشده بین‌المللی به‌همان صورت موجود قرض گرفته شود و بهتران است که قواعدي جامع و نظاممند در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده تدوین و حتی استاندارد شود. این امر به‌ویژه در مورد زبان‌هایی که خصوصیات واژجوي آنها با خصوصیات زبان استانداردشده بین‌المللی بسیار تفاوت دارد و زبان‌هایی که برای اصطلاح‌سازی قواعد خاص خود را دارند، صادق است.

قواعدی درباره برگرفتن نظام اصطلاحی منطبق با نظام مفهومی در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده یا حداقل خلاصه‌ای از آنها را می‌توان با استفاده از پیوست الف درنظر گرفت.

۶-۲-۷-۴ نام‌ها (از جمله نام‌های خاص)

بسیاری از قواعد و اصول اصطلاح‌سازی در مورد نام‌ها نیز به کار گرفته می‌شود (به پیوست پ، استاندارد ISO704:2009 مراجعه شود) برخی از مهم‌ترین طبقه‌های نام‌ها در زیر آمده است:

- نام اشخاص (مانند متخصصان، مخترعان و مکتشفان)؛
- نام نهادها، مؤسسات و سازمان‌ها؛
- عنوان گردنهایی‌ها؛
- عنوان مقام و مرتبه؛
- امتیازات افتخاری؛
- پدیده‌های اجتماعی؛
- پدیده‌های علمی و فنی؛
- نام مکان‌ها، نام اقوام و مکان‌های عمومی؛
- شیوه‌ها و رویه‌ها؛
- نام مدارک.

نام‌ها همچنین می‌توانند قسمتی از اصطلاح باشند و حتی تبدیل به اصطلاح شوند. با توجه به نوع نام، قراردادهای اجرایی متفاوت نمی‌تواند در محیط‌های گوناگون زبانی، فرهنگی یا حتی حوزه‌ویژه، موضوع‌ویژه یکسان باشد. اگر نامی، احتمالاً به عنوان قسمتی از یک اصطلاح، در زبان دیگری به‌ویژه با خطی متفاوت قرض گرفته شود، شاید لازم باشد به آرایه‌ای از مسائل (مانند پیامدهای قانونی و حق نشر اقتباس نام‌های شخصی یا تجاری) اشاره شود و قوانین خاصی وضع شود. با توجه به زبان یا خط، قسمت‌هایی از نام مرکب حتی می‌تواند ترجمه شود اما قسمت‌های دیگر براساس قراردادهای وضع شده آوانویسی شود.

۷-۲-۷-۴ صورت‌های اختصاری

ممکن است در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده قواعد حقوقی تجویزی، استاندارد یا قراردادی برای اختصارسازی اصطلاحات و نام‌ها وجود داشته باشد. اگر صورت‌های اختصاری استانداردشده بین‌المللی مستقیماً گرفته شوند، ممکن است باعث تداخل معنایی یا قراردادهای تجویزی یا استانداردشده سخت‌گیرانه برای اختصارسازی شود و آنها ممکن است در جوامع کاربر با مخالفت روبرو شود.

صورت‌های اختصاری که به طور معمول در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده استفاده می‌شوند باید به عنوان مترادف‌ها افزوده شوند. در این صورت، وضعیت الزامی آنها باید صریحاً مشخص شود.

۸-۲-۷-۴ نمادها

۱-۸-۲-۷-۴ کلیات

نمادهای استاندارد نقش مهمی در ارتباط بین‌المللی دارند. این نمادها شامل نمادهای حرفی، اعداد، نمادهای نگاشتاری و هر ترکیبی از این دست هستند. فقط نمادهایی که بیانگر مفهوم هستند به عنوان معرف در نظر گرفته می‌شوند (به استاندارد ISO704 مراجعه شود).

نمادها نیز همچون دیگر معرف‌ها مانند مرجع، مجاز و منسوب وضعیت الزامی دارند (به بند ۱-۱-۴-۳ استاندارد ISO10241-1:2010 مراجعه شود).

یک نماد باید:

- ساده، زودفهم، و در صورت امکان گویا؛
- تک‌معنا در بافت معین؛
- شفاف؛
- آسان و ساده برای باز تولید؛
- منسجم و مناسب (یعنی طوری طراحی شده باشد که بتواند با نمادهای دیگر تطابق و تفاوت داشته باشد) (به بند ۵-۷ استاندارد ISO704:2009 مراجعه شود).

۴-۷-۲-۲ نمادهای حرفی

نمادهای حرفی از ترکیب یک یا چند حرف ساخته شده‌اند تا کارکردهای ارتباطی خاصی را در جامعه تخصصی یک حوزه بیان کنند (به بند ۳-۱-۱-۴، استاندارد ISO10241-1:2010 مراجعه شود) برخی از نمادهای حرفی مانند نمادهای بین‌المللی کمیت‌ها و واحدها وجود دارند که شبیه صورت‌های اختصاری نام کمیت یا یکا هستند، اما نمادها کارکردهای ارتباطی بیشتری دارند. نمادهای حرفی مرکب همچنین می‌تواند شامل اعداد، نمادهای ریاضی، نشانه‌های نویسه‌نگاری و نشانه‌های نحوی (یعنی علائم سجاوندی، خط تیرهای، کمان‌ها، قلاب‌ها و دیگر حروف وصل و فصل) و گاهی صورت‌های نوشتاری (مانند نوع قلم و قواعدی مانند قلم پرنگ، مورب، پررنگ یا شیوه‌های دیگر) باشند که تحت تأثیر قواعد حوزه‌ویژه، موضوع‌ویژه یا زبان‌ویژه قرار می‌گیرند. ممکن است اصطلاحات نمادهای حرفی داشته باشند.

نمادهای حرفی را می‌توان براساس قواعد زبانی در نمایه‌ها (اگر لازم شد قاعده‌ای وضع شود) منظم کرد. ممکن است قراردادهای متفاوت حوزه‌ویژه یا موضوع‌ویژه برای نمادهای حرفی در یک زبان یا یک خط موجود باشد، اما نمادهای استاندارد بین‌المللی باید به صورت برگردان استاندارد بین‌المللی خود استفاده شوند.

۴-۷-۲-۳ نمادهای نگاشتاری

نمادهای نگاشتاری نقش‌هایی قابل فهم با معنای ویژه هستند که برای انتقال اطلاعات فرازبانی (مانند نمادهای که در علائم ایمنی و نمودارها و نقشک‌هایی که در فناوری اطلاعات به کار می‌روند) استفاده می‌شوند. آنها به گونه‌ای طراحی شده‌اند تا مفهوم را مستقل از هر زبان معینی بیان کنند.

نمادهای نگاشتاری را نمی‌توان در نمایه‌ها براساس قواعد زبانی منظم کرد.

نمادهای نگاشتاری ممکن است به فرهنگ یا حتی کاربرد بستگی داشته باشند؛ بهتر است نمادهای نگاشتاری استاندارد بین‌المللی تغییر داده نشود. با وجود این، اگر تغییراتی ضروری باشد، نهاد استانداردسازی پذیرنده باید صریحاً آنها را توضیح دهد.

۵ قراردادهای نهاد استانداردسازی پذیرنده برای نمایش و چیدمان مدخل‌های اصطلاح‌شناسی همان‌گونه که در بند ۴-۷-۲-۱ ذکر شد، اصطلاحات می‌توانند شامل نمادهای حرفی، اعداد، نمادهای ریاضی، نشانه‌های نویسه‌نگاشتی و نشانه‌های نحوی و گاهی در نوع قلم‌ها، سبک حروف یا شیوه متأثر از قراردادهای حوزه‌ویژه و موضوع‌ویژه باشند. ممکن است چنین قراردادهایی در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده متفاوت باشد که در این صورت بر بازنمایی و چیدمان مدخل‌های اصطلاح‌شناسختی پذیرفته شده اثر می‌گذارد. این تأثیر موارد زیر را نیز در بر می‌گیرد:

- الگوی داده‌های اصطلاح‌شناسختی استاندارد؛
- دلالت بر وضعیت الزامی؛
- ترتیب واژه‌نگاشتی؛
- نمادهای واژه‌نگاشتی؛

- عددگذاری مدخل‌های اصطلاح‌شناختی؛
- نشانه‌های نویسه‌نگاشتی و نحوی؛
- نوع، اندازه و شیوه نگارش قلم‌ها؛
- قالب یادآوری، مثال یا ذکر منبع؛
- شیوه استناد به منبع.

در صورت امکان توصیه می‌شود، قراردادهای خاص نهاد استانداردسازی پذیرنده به حداقل رسانده شود و هنگام پذیرش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی توضیح داده شوند.

یادآوری - براساس راهنمای ISO/IEC Guide 21 تغییراتی که درمورد بازنمایی و چیدمان مدخل‌های اصطلاح‌شناختی صورت می‌گیرند لزوماً باعث انجام تغییراتی در مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی نمی‌شوند.

اگر نهاد استانداردسازی پذیرنده قواعد خاصی برای بازنمایی و چیدمان اصطلاحات اصطلاح‌شناختی داشته باشد که بر مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی پذیرفته شده اثر می‌گذارد، این قواعد یا حداقل خلاصه‌ای از آنها می‌تواند با توجه به الگوی مندرج در پیوست الف در نظر گرفته شود.

۲-۵ اصلاحات الگوی داده‌های اصطلاح‌شناختی

برخی از داده‌های موجود در مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی لازم نیست در مدخل‌های ملی یا منطقه‌ای آورده شوند. بالعکس، گاهی لازم است داده‌هایی را که در مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی موجود نیست در مدخل اصطلاح‌شناختی ملی یا منطقه‌ای وارد کرد. نهاد استانداردسازی پذیرنده باید قواعدی نظاممند درباره داده‌های موردنیاز تدوین کند.

بهتر است دقت شود تا تغییری در الگوی داده‌های اصطلاح‌شناختی مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی داده نشود تا پیوستگی داده‌های اصطلاح‌شناختی رو بدل شده از میان نرود. با وجوداین، اگر لازم باشد اصلاحات یا اضافاتی بر الگوی داده‌های اصطلاح‌شناختی انجام گیرد، برای نمونه به دلیل مسائل فرهنگی و زبانی نهاد استانداردسازی پذیرنده، این تغییرات باید به گونه‌ای صورت گیرد که امکان تبادل داده‌ها حفظ شود. این مهم به ویژه با توجه به نیازهای آینده درمورد ثبت‌ثبت منابع اصطلاح‌شناختی و ایجاد شبکه‌ای از منابع توزیعی از مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد، بسیار حائز اهمیت است.

۳-۵ دلالت بر وضعیت الزامی

اگر در زبان نهاد استانداردسازی پذیرنده قراردادهایی که دلالت بر وضعیت الزامی یک معرف می‌کند که با آنچه در مدخل اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی ذکر می‌شود، تفاوت داشته باشد (مانند پررنگ‌سازی) باید شاخص‌های دیداری و متنی همارز^۱ تعیین و همواره استفاده شود.

۴-۵ ترتیب واژه‌نگاشتی

ممکن است ترتیب واژه‌نگاشتی مدخل‌ها در زبان یا خط و یا قراردادهای نهاد استانداردسازی پذیرنده با آنچه در مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی دیده می‌شود، تفاوت داشته باشد. نهاد استانداردسازی پذیرنده باید قواعدی برای اطمینان از حفظ هماهنگی ترتیب مدخل‌ها وضع کند.

۵-۵ نمادهای واژه‌نگاشتی

نمادهای واژه‌نگاشتی نمادهایی هستند که در فرهنگ‌های لغت و دیگر آثار واژه‌نگاشتی به کار می‌روند تا به طور مؤثر اطلاعات بیشتری را (مانند نشانگرهای مربوط به ارجاع متقابل) در چیدمان مدخل‌های واژه‌نگاشتی و مدخل‌های اصطلاح‌شناختی ارائه دهند. نمادهای واژه‌نگاشتی بسیار وابسته به سنت‌های واژه‌نگاشتی جامعه زبانی هستند. به همین دلیل، نمادهای واژه‌نگاشتی در جامعه نهاد استانداردسازی ملی یا منطقه‌ای ممکن است با آنچه در استاندارد بین‌المللی استفاده می‌شود تفاوت داشته باشند. در صورت امکان، نمادهایی که در یک استاندارد بین‌المللی استفاده می‌شوند، توصیه می‌شود در استاندارد ملی یا منطقه‌ای پذیرفته شوند. در مواردی که نمادهای مختلفی استفاده می‌شوند باید مختصراً درباره آنها توضیح داده شود.

پیوست الف

(اطلاعاتی)

الگوی گزارش مقررات خاص پذیرش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد

قواعد یا ارجاع به مدارک دارای این قواعد	موضوع
	پذیرش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده بین‌المللی به عنوان ابزاری برای هماهنگ‌سازی
	قراردادهای مختلف زبانی، حرفه‌ای، فنی، علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و قراردادهای دیگر به طور کلی
	انتخاب معرف‌های کلامی (از جمله اصطلاحات، متراffد ها، اختصارات و نامها)
	عبارت‌پردازی تعاریف
	انتخاب نمادها (از جمله نمادهای حرفی و نمادهای نگاشتاری)
	قراردادهای بازنمایی و چیدمان مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردشده (از جمله برگردان مدخل اصطلاح‌شناختی، وضعیت الزامی، ترتیب واژه‌نگاشتی و نمادهای واژه‌نگاشتی)
	نشانه‌های نویسه‌نگاشتی و نشانه‌های نحوی
	بازنمایی رده‌های داده‌های ثانویه (مانند یادآوری، مثال، ذکر منبع و روش‌های ارجاع)
	هر نوع قاعده و قرارداد ملی یا منطقه‌ای دیگری که نهاد استانداردسازی پذیرنده استفاده می‌کند
	قواعد و قراردادهایی مربوط به فراهم کردن شرایط دسترسی برای افراد توانیاب ^۱
	فقط از منابعی استفاده شود که قواعد استاندارد، قانونی یا معتبر دیگری دارند. ذکر قواعد یا منابع قواعد برای تمام موضوعات در جدول ضرورت ندارد. در برخی موارد ممکن است یک منبع استاندارد یا معتبر وجود داشته باشد که تمام موضوعات جدول را پوشش دهد، در این صورت ذکر منبع کافی است. اگر هیچ قاعده استاندارد، قانونی یا قاعده معتبر دیگری برای موضوعی در جدول موجود نباشد، برای موردی که باید قاعده‌ای داشته باشد، عبارت «قاعده معتبری برای این موضوع وجود ندارد، اما قواعد ذیل توصیه می‌شود» را ذکر کنید.

کتابنامه
(اطلاعاتی)

۱- استاندارد ملی ۱۸۸۸۷-۱:۱۳۹۳، مدخل‌های اصطلاح شناسی در استانداردها- قسمت ۱- الزامات کلی و
مثال‌هایی از شیوه ارائه

- 2- ISO/IEC Guide 2:2004, Standardization and related activities — General vocabulary
- 3 ISO/IEC Guide 21-1:2005, Regional or national adoption of International Standards and other International Deliverables — Part 1: Adoption of International Standards
- 4- ISO/IEC Guide 21-2:2005, Regional or national adoption of International Standards and other International Deliverables — Part 2: Adoption of International Deliverables other than International Standards
- 5- ISO 1087-1:2000, Terminology work — Vocabulary — Part 1: Theory and application
- 6- ISO 1951:2007, Presentation/representation of entries in dictionaries — Requirements, recommendations and information
- 7 ISO 15188:2001, Project management guidelines for terminology standardization
- 8- ISO 704:2009, Terminology work — Principles and methods
- 9- ISO 860:2007, Terminology work — Harmonization of concepts and terms